



نظام آموزشی جمهوری سوسیالیستی رومانی

- ۳ ملاحظات تاریخی
- ۷ بن مایه فرهنگی ایجاد ملیت در بالکان
- ۹ فرهنگ رومانی
- ۱۰ ملاحظات جغرافیایی
- ۱۵ ملاحظات اقتصادی
- ۱۹ جمعیت
- ۲۰ نرخ رشد جمعیت
- ۲۰ ترکیب جمعیت
- ۲۱ اقوام و نژادها
- ۲۳ زبان و خط
- ۲۴ ادیان و مذاهب



۲۵	ارتباطات
۲۵	رسانه های گروهی
۲۵	مطبوعات
۲۷	خبرگزاریها
۲۷	رادیو و تلویزیون
۲۸	کتابخانه ها
۲۹	ملاحظات سیاسی
۴۶	ساختار آموزشی
۴۷	آموزش عمومی
۴۷	آموزش ابتدایی
۴۷	آموزش مقدماتی متوسطه
۴۷	آموزش تکمیلی متوسطه
۴۹	آموزش عالی
۴۹	مراکز آموزش عالی
۵۱	گسترش آموزش عالی خصوصی در اروپای شرقی
۵۳	کیفیت آموزش عالی و ضرورت توجه به آن
۵۴	ارزیابی و نقش آن در بهبود کیفیت آموزش عالی
۵۴	ضرورت ارزیابی در آموزش عالی
۵۵	عوامل مورد ارزیابی در آموزش عالی
۵۷	الگوهای ارزیابی مورد استفاده در آموزش عالی
۵۹	روشهای ارزیابی دانشگاهی در کشورهای اروپایی
۶۴	تاریخچه قانون اساسی
۶۶	قوانین اصلی قانون اساسی



ملاحظات تاریخی

در سال ۱۸۵۹ میلادی با اتحاد بخش ولاشکا و مولداوی، کشوری به نام رومانی ایجاد شد، نام واژه رومانی از سال ۱۸۶۲ متداول گشت. رومانی تا کنگره برلین در سال ۱۸۷۸ تقریباً تحت نظارت ترکان عثمانی بود ولی در همان سال استقلال کامل را کسب کرد. رومانی در اواخر سده هجده در نتیجه دغدغه‌های فرهنگی و زبانی، مبارزه برای کسب هویت و آزادی ملی را با دست زدن به تأسیس جنبشی فرهنگی به نام «مدرسه ترانسیلوانیا» آغاز کرد. انتلکتویلیت‌ها برای بیداری ملی مردم، از فرهنگ و زبان نهایت استفاده را بردند. این مدرسه برای رشد یک زبان ادبی رومانی شمول استفاده از الفبای لاتین بجای سریلیک و همین طور خلق گرامر جدید کوشش کرد. از سال ۱۸۴۰ تا سال ۱۸۵۰ میلادی، جنبشی به نام «روح فرانسه» فرهنگ رومانی را معطوف فرهنگ غربی ساخت. فتودالیسم در سال ۱۸۶۴ لغو شد و مدارس ابتدایی و دانشگاهها ایجاد و گسترش یافتند.

سرزمینی که امروزه بنام رومانی معروف است ابتدا داجیا نامیده می شد. عمده ساکنان آن از منطقه تراچ در یونان بودند که یونانیها آنها را بنام گتای می شناختند. بین سالهای ۱۰۱ تا ۱۰۶ میلادی سرزمین داجیا توسط ترایان، امپراطور روم، فتح و تبدیل به یکی از استانهای این امپراطوری شد. در سال ۲۷۰ میلادی امپراطوری روم نیروهای خود را از داجیا عقب کشید اما تعدادی از رومیها ترجیح دادند در این منطقه بمانند، لذا تحت نفوذ رومیها مردم داجیا زبان لاتین را انتخاب کردند. در طی هزار سال پس از آن این منطقه مورد هجوم هونها، اسلاوها و بلغارها قرار گرفت. اسلاوها در قرن چهارم مسیحیت را به این منطقه آوردند و با اقامت در رومانی و مبادرت به ازدواج با ساکنان داجیا موازنه نژادی قبلی در داجیا را متحول نمودند. بتدریج اسلاوها تبدیل به یک گروه نژادی



قوی شده و به ولاحها معروف شدند. در قرن نهم میلادی بلغارها ساختار شرقی مذهب ارتدوکس را در این منطقه رواج دادند.

در سال ۱۰۰۳ میلادی شاه اشتفان اول از مجارستان کنترل خود را بر اغلب بخشهای ترانسیلوانیا (مناطق مرکزی و شمالغرب فعلی رومانی) اعمال نمود و در قرن ۱۳ مجارستان ساکسونها و قبائلی از آلمانیها را به این منطقه انتقال داد تا نفوذ و کنترل خود بر آنجا را مستحکم نماید. در اواسط قرن ۱۳ تحت فشار مجارها تعداد زیادی از ولاحهای ساکن ترانسیلوانیا به مناطق جنوبی و شرقی کوههای کارپات مهاجرت نموده و در آنجا استان والاجیا و سپس استان ملداویا را ایجاد کردند که توسط شاهان محلی و تحت نفوذ مجارستان و بعضا لهستان اداره می شدند. در قرن ۱۵ عثمانی حمله خود به منطقه والاجیا را آغاز نموده و این ناحیه را تحت کنترل خود درآورد اما این کنترل تا سال ۱۵۲۶ که عثمانی مجارستان را شکست داد غیرمستقیم بوده و تغییری در دین، سرزمین و مدیریت منطقه نداد. در اواخر قرن ۱۶ یکی از حکام محلی والاجیا بنام میخائیل شجاع بر علیه عثمانی قیام نموده و توانست برای مدتی کوتاه والاجیا، ملداویا و ترانسیلوانیا را متحد نماید. اگرچه این دوران طولی نکشیده و با مرگ میخائیل شجاع در سال ۱۶۰۱ مجددا عثمانیها بر والاجیا و ملداویا و مجارها بر ترانسیلوانیا مسلط شدند اما همین حرکت حاکم مزبور سبب شد زمینه تحركات بعدی جهت متحد نمودن بخشهای مختلف سرزمین رومانی ایجاد شود.

تاریخ منطقه ملداویای رومانی نیز شبیه والاجیا می باشد. عثمانیها پس از تسلط بر والاجیا، ملداویا را هم تحت کنترل خود درآوردند اما قبل از آن این منطقه تحت نفوذ مجارها و لهستانیها بود. اشتفان بزرگ، یکی از حکام محلی ملداویا، در سالهای ۱۴۵۷ تا ۱۵۰۴ مبارزات سختی را علیه عثمانیها انجام داده و همراه با میخائیل



شجاع بعنوان قهرمانان ملی رومانی در تاریخ این کشور معروف شدند. از ابتدای سال ۱۷۰۰ میلادی نفوذ عثمانیها در منطقه روبه کاهش نهاد و در قرن ۱۸ کاترین بزرگ روسیه، مسکو را حامی تمامی ارتدوکسهای تحت نفوذ عثمانی اعلام و والایا و ملداویا را تحت نفوذ خود درآورد.

در پی جنگهای متعدد روسیه و عثمانی، مسکو امتیازاتی را در خصوص رومانی از ترکها گرفت، از جمله اینکه طی قرارداد بوکارست (۱۸۱۲) روسیه منطقه باسارابی در ملداوی را به خاک خود ملحق ساخت و در قرارداد آدریانوپل (۱۸۲۹) نیز والایا و ملداویا تحت الحمایه روسیه قرار گرفت. از اوایل ۱۸۰۰ جنبشهایی در ملداویا و والایا صورت گرفت که مرتباً توسط روسیه و عثمانی سرکوب می شد و نهایتاً در قرارداد پاریس (۱۸۵۶) که در پایان جنگهای کریمه میان روسیه و عثمانی به امضا رسید، خراجگری ملداویا و والایا به عثمانی مورد تاکید قرار گرفت و روسیه هم باسارابی جنوبی را به ملداویا بازگرداند. در سال ۱۸۵۷ شوراهای حاکمیت والایا و ملداویا رای به اتحاد این دو منطقه دادند که زمینه را برای وحدت آنها با ترانسیلوانیا فراهم نمود. در سال ۱۸۷۸ و در پی جنگ روسیه و عثمانی کنترل ۵۰۰ ساله عثمانی بر والایا و ملداویا خاتمه یافت و در همان سال طی کنفرانس برلین استقلال رومانی به رسمیت شناخته شد، باسارابی جنوبی به روسیه داده شد و در عوض منطقه دوبروجای شمالی از بلغارستان گرفته شد و به خاک رومانی ملحق گردید. در سالهای ۱۹۱۲ و ۱۹۱۳ دو جنگ در بالکان در گرفت که رومانی با ورود به جنگ دوم بالکان منطقه دوبروجای جنوبی را هم از بلغارستان گرفته و بخاک خود افزود. در سال ۱۹۱۴ کارول اول که مدتی بر رومانی حکمفرمائی کرده بود درگذشت و نوه اش فردیناند اول بجای او نشست. در ابتدای جنگ جهانی اول رومانی اعلام بیطرفی کرد اما در اگوست ۱۹۱۶ به متفقین پیوست و پس از پایان جنگ ترانسیلوانیا، بخشی از بنات و مارامورش را از مجارستان،



بوکووینا را از اتریش و بسارابی را از روسیه بدست آورد، لذا عملاً در پایان جنگ سرزمین جمعیت رومانی دوبرابر شد. در طی سالهای دهه ۱۹۲۰ رومانی از رشد اقتصادی خوبی برخوردار بود و در این دوران رژیم پارلمانی در این کشور استقرار یافت اما اختلافات نژادی، ناشی از نارضایتی مردم سرزمینهایی که به رومانی ملحق شده بود، بی ثباتی سیاسی را در این کشور رقم زد.

بعد از سال ۱۹۲۹ رومانی هم از تبعات بحران اقتصادی جهانی آسیب دید و بیکاری و فقر موجب شکل گیری و رشد سازمانهای فاشیستی شد که عمده ترین آنها سازمان ضدنژادی گارد آهنین بود. در سال ۱۹۳۰ شاه کارول دوم به قدرت رسید و رومانی بتدریج تحت نفوذ آلمان نازی درآمد. در سال ۱۹۳۹ بدنبال امضای قراردادی میان روسیه و آلمان، رومانی بخشی از ترانسیلوانیا را به مجارستان داد، بسارابی و بوکوونیا شمالی را به شوروی واگذار و دوبروجای جنوبی را نیز به بلغارستان داد. در جنگ جهانی دوم رومانی بعنوان متحد آلمان علیه روسیه اعلان جنگ داد. قوای این کشور بسارابی و بوکووینا را تصرف نموده و تاجنوب اکراین هم پیش رفتند اما در جنگهای استالینگراد در سالهای ۱۹۴۲ و ۱۹۴۳ شکست خوردند که بدنبال آن نیروهای روسیه در سال ۱۹۴۴ وارد رومانی شده و بوکارست را مجبور به تسلیم در مقابل روسیه و اعلام جنگ علیه آلمان نمودند. از آن پس تا زمان بقدرت رسیدن چائوشسکو تحت فشار روسها چپگراها همواره در رومانی برسر قدرت بودند تا اینکه این نفوذ روسیه با روی کارآمدن چائوشسکو و تبعید شاه میهای نهادینه شد. شاه میهای اینک به رومانی بازگشته و بخشی از اموال خود را بازپس گرفته است.



بن مایه فرهنگی ایجاد ملیت در بالکان

بالکان سرزمین ملیت‌هایی است که مدت مدیدی از شکل‌گیری آنها نمی‌گذرد. دیرکرد ظهور جامعه بورژوا و مدرن، نشانگر مبارزه با فنودالیسم و آزادی ملی بود. درگیری میان عثمانی و اتریش از اوایل سده نوزدهم تا اوایل سده بیست به درازا انجامید. صربستان در اولین و دومین شورش در سال ۱۸۰۴ و ۱۸۱۵ به نوعی خودمختاری از جانب ترک‌ها نائل آمد. یونان در مبارزات سال‌های ۱۸۲۱ تا ۱۸۳۰ علیه ترک‌ها موفق به کسب آزادی ملی می‌شود. رومانی در سال ۱۸۵۹ موفق به ایجاد دولتی خودمختار شد و در سال ۱۸۷۸ استقلال کامل را کسب کرد. بلغارستان نیز طی همین سال، به حکومت پادشاهی شمال و بخش رومانی جنوبی تقسیم شد. این کشور در سال ۱۸۸۵ به نوعی اتحاد میان شمال و جنوب دست یافت. اسلوونی، کرواسی و بوسنی در سال ۱۹۱۸ از تسلط امپراطوری اتریش - مجارستان خارج شد و آلبانی در سال ۱۹۱۲ بنا به تفاهمنامه کنفرانس لندن استقلال یافت. مبارزات برای کسب آزادی‌های ملی، در نتیجه بیداری فرهنگی و ملی مردم این سرزمین‌ها بوده است. این مبارزات در عصر رمانیسم که مقارن با هشیاری ملی و فرهنگی بود، منجر به تقویت زبان و گسترش آموزش گشت. زبانی که بتواند اقوام را به گونه‌ای به هم متصل سازد؛ زبانی که دارای ریشه‌ای مشترک باشد. «دوسیتا ابرادوویچ» در سده هجده، دست به اصلاحات زبانی زد تا زبان عامیانه را تبدیل به زبان ادبی کند. بعد از وی «ووک کادرازیچ» با ارائه کار او خدمات قابل تأملی در این زمینه ارائه داد. در سال ۱۸۶۸ انتشار کتاب ووک کادرازیچ موفقیتی بزرگ در بسط زبان ملی بود. پیش از آن، صرب‌ها در نوشتار از زبان کاتولیکی اسلوونیایی استفاده می‌کردند ولی کارادزیچ امکان نوشتن زبان ملی را میسر ساخت. کلیسای ارتدکس و برخی انتلکتوییل‌های کم‌فهم به مخالفت با این ابتکار پرداختند.



بالکان مرکز تلاقی فرهنگ‌هایی است که همواره از یکدیگر تأثیر گرفته‌اند. تقاطع بالکان در طی تاریخ

شاهد تماس سنت‌ها و فرهنگ‌های نوین اروپا، آسیا و آفریقا بوده است.

«بوریسلاو پکیچ» در کتاب هفت جلدی خود به نام «پشم طلایی»، همه جوانب بالکان را مورد تحقیق قرار

داده است. موقعیت بالکان نه فقط از دیدگاه جغرافیایی، بلکه از این نظر که محل تلاقی فرهنگ‌ها بوده است،

نخستین بستر تمدن در اروپا بشمار می‌رود. در تمدن بالکانی تأثیر بخشی از تمدن آسیا بر فرهنگ، کشاورزی،

دین و هنر بوضوح هویدا است. اولین بار تمدن‌های شمال آفریقا از طریق دریای اژه، دستاوردهای غنی خود را به

سوی بالکان روانه کردند. مصر، سوریه و فلسطین بر تمدن یونان باستان و سپس یونان باستان بر این سرزمین‌ها

تأثیرات شگرفی به جای گذاشت. ویژگی گفتمان و تأثیرپذیری تمدن‌ها، بویژه در گسترش مسیحیت از فلسطین تا

بالکان، به خوبی مشهود است. تجزیه مسیحیت به دو کلیسای کاتولیک (غرب) و بیزانس (شرق) بر ساختار،

سرنوشت و بحران‌های این منطقه تأثیرات عمیقی داشته است. علاوه بر آن، قدرت‌های بزرگ و حضور اسلام در

سرنوشت بالکان قابل تأمل و پژوهش است. میراث بیزانس، فرهنگ اسلاو و آلبانی، اسلام ترکان عثمانی، مذهب

کاتولیک‌های قرون وسطی و فرهنگ اتریش - مجارستان در ساختار زبان، سنت، دین و شیوه زندگی، اسطوره سازی

و فلسفه بالکان بسیار مؤثر بوده است. امروز نیز پروسه جهانی شدن از سوی اروپای غربی به مثابه عاملی سرنوشت‌ساز

و در کنار عوامل بر شمرده قرار می‌گیرد. وضعیت سیاسی حاکم بر بالکان، گویای همزیستی و نزدیکی میان اقوام

نیست، و چه بسا خطا نگفته‌ایم، اگر واژه تفاوت‌ها را به عنوان عاملی در دوری فرهنگ‌ها و اقوام از یکدیگر

متذکر شویم. اسلونی‌ها و کرواتی‌ها بعد از سال ۱۹۹۱ دست به احیاء مذهب کاتولیک اروپای مرکزی زدند.

سنت‌های این دو قوم همواره تحت تأثیر اصلاحات و ضد اصلاحات دینی در کاتولیک روم بود. اسلونی‌ها و



کرواتیهایی چون «پریموژ توروبار» و «آدام بوخوریچ» در دوران اصلاح دینی، مبتکر استفاده از زبان اسلونیایی در کلیسا و خلق اولین گرامر در اسلونی بودند. اصلاح‌گرایان کرواتیهی همچون «استیپان کُنزو»، «آنتون دالماتین» و «ماتیا ولاشیچ» تحت تأثیر کلیسای کاتولیک، تکفیر شدند، این کلیسا در اجتماع «تریدم کنسیل» اصلاحات را ممنوع ساخت. این منع اجباری، تا به امروز در کرواسی و اسلونی حاکم است. کلیسا بعد از این سرکوبی، همواره تلاش می‌کرد تا صرب‌ها را نیز به کلیسای کاتولیک ملحق کند. رومانی، بلغارستان، صربستان و مونته‌نگرو، مقدونیه و یونان که ممالک ارتدکس محسوب می‌شدند، تحت تأثیر فرهنگ بیزانسی یونان بوده و هستند. در سال ۱۰۵۴ میلادی بر اثر تجزیه مسیحیت به دو کلیسای ارتدکس و کاتولیک، رابطه کلیسای کشورهای مذکور با کلیسای کاتولیک متشنج شد. کلیسای کاتولیک در رویدادهای سده نوزده و جنگ جهانی دوم از کلیسای کاتولیک کرواسی، حمایت می‌کرد. سومین تمدن، تمدن اسلامی است که با ورود به این خطه در سده چهارده تا به امروز نقش بازی می‌کند. آثار اسلامی که خود متأثر از دیگر تمدن‌ها بود، تا به امروز در بالکان با ویژگی‌های منحصر بفردی پابرجا مانده است. این آثار در بوسنی و آلبانی و بخشی از مقدونیه و بلغارستان، مشاهده می‌شود.

فرهنگ رومانی

فرهنگ رومانی در طول تاریخ تحت تأثیر رومیها، اسلاوها، مجارها و ترک‌ها بوده و اشعار، داستانها، افسانه‌ها، موسیقی و هنر که مورد نفوذ فراوان فرهنگهای فوق الذکر بوده از جایگاهی قابل توجه در فرهنگ رومانی برخوردار است. ادبیات، هنر و موسیقی رومانی در قرن ۱۹ شکوفایی خاصی را تجربه نمود. اگرچه رومانی تحت تأثیر شدید فرهنگ غرب است اما مشخصه‌ها و هویت ملی خود را نیز تا حدودی حفظ نموده است. ادبیات این



کشور از تاریخی غنی و متنوع برخوردار بوده و در فاصله قرون ۱۵ تا ۱۸ ادبیات ملی عمدتاً دارای محتوا و رنگ مذهبی بوده است. در اوایل قرن ۱۸ تاریخ نویسی بصورت عمده ترین مقوله ادبیاتی درآمد و بخش عمده ای از آثار این دوره نیز در خصوص مبدا و تاریخ مردم رومانی بوده است. در سالهای ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ ادبیات رومانی به حدی از غنا رسید که حتی در تحکیم وحدت ملی کشور نیز موثر واقع شد. میهای امینسکو یکی از ادیبان معروف رومانی در این دوران است که آثار وی تحت تاثیر مکتب هنری رومانیک آلمانی بود. لوچیان بلاگا، که ضمناً فیلسوف نیز بوده، و تودور آرگری نیز از معروفترین شعرای این دوره هستند. رمان نویسی نیز در همین دوران اهمیت یافت و میهایل ساندوآنو بعنوان مهمترین رمان نویس رومانی معروف شد. بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ در دوران حکومت کمونیستی، ادبیات کشور عمدتاً نوعی تفکر رئالیسم سوسیالیستی را با خود داشت.

هنر رومانی نیز مانند ادبیات این کشور در قرن ۱۹ شکوفائی خاصی یافت. تئودور آمان و نیکولایه گریگورسکو از معروفترین نقاشان رومانی در این دوره هستند. کنستانتین برانکوشی، یک رومانیایی الاصل مقیم فرانسه، در این دوران نقشی مهم در معرفی هنر مدرن و مفاهیم مدرن هنری در رومانی داشت.

ملاحظات جغرافیایی

کشور رومانی در جنوب شرقی اروپا و در بخش شمال شبه جزیره بالکان در حاشیه رود دانوب قرار دارد و مساحت آن ۲۳۷۵۰۰ کیلومتر مربع است. رومانی مجموعاً ۳۱۸۷/۷ کیلومتر مرز آبی و خاکی دارد این کشور از شرق و شمال به جمهوری اوکراین و مولداوی (۱۳۲۷/۷) ، از جنوب شرقی به دریای سیاه (۲۳۴ کیلومتر)، از جنوب غربی به جمهوری صربستان (۵۴۴/۳ کیلومتر)، از جنوب به بلغارستان (۶۳۱/۶ کیلومتر) و از غرب به مجارستان (۴۴۴/۸ کیلومتر) محدود است.



در مرکز کشور رومانی سلسله جبال کارپات به شکل کمان قرار گرفته و رودخانه های متعددی از ارتفاعات آنها جاری میشوند که به قسمت سفالی دانوب میریزند. رود دانوب که در جنوب کشور رومانی جاری است، قبل از آنکه به دریای سیاه بریزد از ۱۰۷۰ کیلومتر خاک رومانی میگذرد. همچنین دریای سیاه نیز ۲۴۵ کیلومتر با کشور رومانی ساحل دارد. سلسله جبال کارپات دور تا دور منطقه ترانسیلوانی را فراگرفته است و در برخی نقاط ارتفاعات کارپات تا ۲۵۰۰ متر میرسد. منطقه ترانسیلوانی نیز فلات رومانی را تشکیل میدهد که ۴۰۰-۶۰۰ متر ارتفاع دارد. سلسله جبال کارپات پلکانی شکل به سوی دشت ها و دریا امتداد دارد و هر چه به دریا نزدیک میشود ارتفاع آن کمتر میشود. این سرزمین دارای منابع غنی زیرزمین است. دشتهای و اراضی کوهپایه کارپات و فلات ترانسیلوانی برای کشت گندم، ذرت، چغندر قند، سیب زمینی، کتان، کنف و دیگر نباتات بسیار مناسب است. دامنه کوهها نیز سراسر پوشیده از جنگل ها و مراتع مساعد برای دامداری است.

در مناطق تپه ای ترانسیلوانی منابع نفت، نمک و زغال سنگ نهفته است. در ضمن منابع گاز متان نیز در فلات ترانسیلوانی قرار دارد. در مناطق کوهستانی نیز از انواع و اقسام سنگهای معدنی نظیر سنگهای طلا، نقره، پیریت، جیوه و آهن بهره برداری میشود. سلسله جبال کارپات بدوران سوم زمین شناسی تعلق دارد. این سلسله جبال در خاک رومانی به سه رشته کوه کاملاً متمایز شامل کارپات شرقی، کارپات جنوبی و کارپات غربی که به گرد فلات ترانسیلوانی حلقه زده اند، تقسیم میشوند. ساخت زمین شناسی این سلسله کوهها بسیار متنوع است : به این ترتیب که مرتفع ترین قله کارپات شرقی از شیب های کریستالی تشکیل است. در حالی که در سلسله کوههای کارپات شرقی صخره های آتشفشانی، به لحاظ تعداد آنها سلسله جبال آتشفشانی به وجود آورده اند که طویل ترین سلسله جبال آتشفشانی اروپاست. این سلسله جبال دارای دهانه های آتشفشانی است و در یکی از همین دهانه ها تنها دریاچه آتشفشانی رومانی موسوم به سنت آنا قرار دارد. هزارها چشمه آب معدنی که از نقاط



مختلف این سلسله جبال جاری است خود گواه فعالیت زمان بعد از دوران آتشفشانی آن است. کارپات شرقی از مرز شمالی رومانی تا دره پراهوا واقع در جنوب گسترده شده است و از سه رشته موازی که از شمال غربی به سوی جنوب شرقی امتداد دارند، تشکیل شده است. مرتفع ترین قله سلسله جبال کارپات شرقی موسوم به پیه تروسول واقع در کوههای رودنا با ارتفاع ۲۳۰۵ متر است با این حال معروفترین قله کارپات شرقی از نظر جهانگردی و به احاطه اشکال بدیع ارتفاعات آن قله سه آهلو با ۱۹۰۴ متر ارتفاع است. کارپات جنوبی به لحاظ شکل ارتفاعات و کوهپایه های آن و در قیاس با دیگر رشته های کارپات، آلپ ترانسیلوانی نامیده میشود. کارپات جنوبی از دره پراهوا در شرق تا دالان تکتونیک دره های تیمیش، سرنا و بیسترا در غرب امتداد دارد. قله هولدو و آنو با تا دالان ارتفاع ۲۵۴۳ متر در سلسله جبال فاگراش بلندترین قله سلسله جبال کارپات در تمامی رومانی است. در این قسمت دره هایی وسیع وجود دارد که یکی از آنها دره پتروشانی است و مهمترین منابع زغال سنگ رومانی در اعماق این دره نهفته است.

رشته کوههای کم ارتفاع تری نیز به نام بیهور وجود دارد و بقیه سرزمین رومانی را دشتها و جلگه ها تشکیل می دهند که مهمترین جلگه های آن موسوم به دوبروجا، پانونیک و ملدووا هستند. مهمترین رودهای رومانی نیز عبارت اند از دانوب، پروت، معدش، اولت، سیرت، تیسسا، رود دانوب که ۱۲۰۰ کیلومتر در مرز و در داخل رومانی در جریان است، طویل ترین رود این کشور است.



ج) آب و هوا

آب و هوای رومانی از نوع آب و هوای قاره‌ای معتدل است؛ اما در نقاط مختلف بر حسب تفاوت ارتفاع و یا در معرض جریان توده‌های اتمسفری قرار گرفتن فرق می‌کند. با این حال آب و هوای رومانی نسبتاً ملایم است و تفاوت حرارت بسیار زیاد وجود ندارد.

زمستانها در غرب این کشور هوا ملایمتر و نزولات آسمانی بیشتر است. قابل ذکر است که در غرب رومانی هوا تحت تأثیر آب و هوای اقیانوسی قرار دارد؛ در حالی که شرق رومانی با زمستانهای نسبتاً سرد و طوفانهای برفی و سرمای خود کاملاً تحت تأثیر آب و هوای سرد جلگه‌های وسیع روسیه قرار دارد. در جنوب غربی رومانی نفوذ محدود آب و هوای مدیترانه‌ای به چشم می‌خورد.

متوسط درجه حرارت سالانه، در جنوب ۱۱ درجه و در شمال ۸/۵ درجه است. بالاترین درجه حرارت در باراگان (۴۴/۵ درجه سانتی‌گراد) و پایین‌ترین درجه برودت در براشو (۳۱/۵) ثبت شده است. متوسط ریزش باران در سال ۶۹۰ میلی‌متر ثبت شده است.

ریزش باران در کوهستانها بیشتر است (متوسط سالانه ۱۴۰۰ میلی‌متر) و کمترین میزان ریزش باران در دوبروجا ثبت شده که کمتر از ۴۰۰ میلی‌متر است.

شهرهای مهم

مرکز رومانی موسوم به بخارست^۱ که به زبان رومانیایی بوکورشت خوانده می‌شود، بر طبق اسناد موجود ۵۰۰ سال قدمت دارد و دارای آثار بسیاری از دوران های تاریخی مختلفی بوده و درخود موزه های مهم

^۱ - Bucsharest



تاسیسات فرهنگی متعددی راجای داده است. از قدیمی ترین بناهای شهر بخارست کورتیاولش^۱ (قصر قدیمی) است که در قرن شانزدهم ساخته شده است.

یاش^۲: در شمال شرقی کشور که سابقاً مرکز مهم فرهنگی و هنری به حساب می آید و دارای آثار باستانی بسیاری است. اشتفان کبیر که از اواخر قرن پانزدهم به مدت ۵۰ سال در مولداوی حکومت کرد یاش را مرکز امپراتورین خود برگزید.

پیاتزانیامتز^۳: از شهرهای مهم صنعتی و جهانگردی است که در دره نیترآ^۴ قرار دارد.

تیمی شورا^۵: این شهر در غرب رومانی واقع است و اقلیت مجاریو آلمانی نیز در آن ساکن هستند. فاصله تیمی شورا تا مرز صربستان بسیار کم است. در دانشگاه این شهر دانشجویان خارجی بسیاری مشغول به تحصیل هستند.

براشو^۶: از مراکز اقتصادی و جهانگردی است. آثار تاریخی بیشماری نظیر کلیسای سیاه و خانه شورا در آن قرار دارد. کارخانه های تراکتور سازی و کامیون سازی در ایتم شهر واقع است این شهر کوهستانی در مرکز رومانی است و در کوهپایه رشته کوه کارپات قرار دارد.

سی بیوا^۱: از شهرهای بزرگ صنعتی و فرهنگی است. این شهر در منطقه ترانسیلوانیا واقع است بخش مهمی از اقلیت آلمانی در این شهر زندگی می کنند. ساختار ساختمان های شهر به سبک قدیم و خانه های دارای شیروانی است.

- 1 - Curtea Vlesh
- 2 - Jash
- 3 - piatzancat
- 4 - Bis Nitza
- 5 - Timi Shoara
- 6 - Brashov



پلوشت^۲: این شهر جدید التاسیس است و در ۵۰ کیلومتری شمال بخارست قرار دارد. از مهمترین صنایع آن پالایشگاه بزرگ پلوشت است.

شهر پیتشت^۳: این شهر در ۱۲۰ کیلومتری بخارست واقع و دارای صنایع نفت و صنایع سنگین است تنها شاهراه رومانی میان بخارست و پیتشت می باشد.

ملاحظات اقتصادی

الف) تاریخچه اوضاع اقتصادی

در دوران کمونیست در رومانی کارخانه‌های صنعتی و معدنی، کلیه بانکها و بیمه‌ها، مراکز بهداشتی، مراکز تولید فیلم، سینما‌ها، داروخانه‌ها، آزمایشگاه‌ها کارگاه‌های اصناف مختلف، مطب‌ها و ستورانه‌های ملی بوده است. کشاورزان نیز مجبور به داخل شدن به تعاونی‌های کشاورزی بودند سیاستهای کشاورزی دولت کمونیستی رومانی موجبات کاهش تولید را فراهم کرده بود به نحوی که حجم تولید محصولات کشاورزی در سال ۱۹۵۳ به میزان تولید در سال ۱۹۳۸ (قبل از کمنیستی شدن رومانی) رسیده بود.

در زمان کمونیسم رومانی الگوی اقتصادی استالینی را سر مشق قرار داد و در بخش صنعت، حزب کمونیست رومانی تأکید زیادی در توسعه صنایع ماشین‌سازی، آهن و فولاد داشت لذا صنایع سبک و کالاهای مصرفی از توسعه بسیار اندکی بهره‌مند بودند.

1 - Siviu

2 - Pitesiti

3 - Ploiesti



در سال ۱۹۴۸ سازمان امنیت کمونیستی رومانی موسوم به «سکوریتاته»^۱ تأسیس شد این سازمان مسئولیت

سرکوبی مخالفان نظام کمونیستی و عوامل آن را داشت

چائوشسکو^۲ در دهه ۷۰ اعلام داشت که بدهی ۱۱ میلیارد دلاری کشورش را ظرف همان دهه پرداخت

خواهد کرد متعاقب اتخاذ این سیاست، زیاضت اقتصادی اعمال کرد امری که از یک سو موجبات پرداخت بدهی

خارجی شد و از سوی دیگر به کاهش شدید سطح زندگی منجر گردید. مخالفت رومانی با اصلاحات انجام شد.

سر انجام در سال ۱۹۸۹، نیکلای چائوشسکو متعاقب شورش مردم رومانی سرنگون و نظام این کشور به

یک نظام چند حزبی مبدل شد.

ب) سیاست های اقتصادی دولت بعد از تحولات ۱۹۸۹

(متعاقب سقوط حکومت) کمونیستی، دوره انتقالی یعنی دوره خصوصی سازی اموال دولتی (کارخانه ها و

اعطای حق مالکیت و ...) آغاز شد. برخی در مجموعه شاخصه دوره انتقال را اصلاحات بنیادی در اقتصاد نام

نهادند. لذا دولت های رومانی از سال ۱۹۸۹ همواره حرکت به سوی اقتصاد بازار را در رأس سیاست های

اقتصادی خود قرار دادند. قدر مسلم برهم زدن نظمی که در رأس آن دولت قرار داشت کاری ساده به نظر می

رسید، ولی ایجاد نظمی جدید در قالب اقتصاد بازار به نحوی که ثروت مردم که در اختیار دولت بود به نحو

عادلانه در اختیار عموم قرار گیرد، کاری بس دشوار بود. لذا در این رهگذر مشکلات عدیده اقتصادی بروز

کرد. مشکلاتی از قبیل افزایش شدید تورم، کاهش ارزش پول ملی، افزایش بیکاری، کاهش تولیدات صنعتی و

کشاورزی، افزایش بدهیهای خارجیس، کاهش صادرات و افزایش واردات.

^۱ - Securitatc

^۲ - Ceasescu



مهمترین برنامه های اقتصادی دولت های رومانی برای جا انداختن اقتصاد بازار عبارت بودند از: حذف تدریجی یارانه‌ها از کالا و خدمات، حذف کنترل بر نرخ ارز و ایجاد زمینه برای خرید و فروش آزاد آن، آزاد سازی تجارت خارجی (خارج کردن از انحصار دولت).

یکی از مهمترین مسائل دولت های بعد از تحولات در رومانی، مشکلات مالی در این کشور است. رومانی ظرف مدت ۸ سال پس از گذشت سقوط نظام کمونیستی بیش از هفت میلیارد دلار وامهای میان مدت و دراز مدت دریافت و در حدود ۲ میلیارد دلار نیز ذخیره ارزی حکومت چائوسشکو را هزینه کرده است. پس از آغاز تحولات در رومانی دامنه تظاهرات سندیکایی در سرتاسر این کشور گسترش یافت. کارگران خواستار افزایش دستمزد و کاهش ساعات کار بودند به نحوی که از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ همواره رشد منفی در اقتصاد رومانی ثبت شده است.

مجموع سرمایه گذاری های صورت گرفته در رومانی از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ بالغ بر یک میلیارد و ششصد میلیون دلار شده است، که در مقایسه با سایر کشورهای شرق اروپا از قبیل لهستان، مجارستان و چک از میزان بسیار کمتری برخوردار است. شایان ذکر است در پایان سال ۱۹۹۶ میزان سرمایه گذاری در مجارستان بالغ بر ۱۳ میلیارد دلار بوده است.

مهمترین سرمایه گذاران خارجی در رومانی (پس از سال ۱۹۸۹) به ترتیب از سوی کشورهای ایتالیا، آلمان، کره جنوبی، امریکا، فرانسه و هلند بوده است. بخش خصوصی جمهوری اسلامی ایران در رومانی بیش از ۲۳۰۰ شرکت دارد که مجموعاً در حدود ۱۳ میلیون دلار در این کشور سرمایه گذاری کرده اند.



رشد منفی در اقتصاد رومانی از سال ۱۹۹۳ روبه کاهش گذاشت و از سال ۱۹۹۴ تعدل میان عرضه و تقاضا در بازار به وجود آمد و همزمان بر میزان صادرات افزوده شد به طوری که آرام آرام سرمایه گذاری خارجی نسبت به سال های گذشته افزایش یافت.

وضعیت موجود

الف) ظرفیت های اقتصادی

رومانی به طور سنتی یک کشور کشاورزی و دامپروری است. در زمان حاضر این کشور نیاز گندم و سایر غلات خود را تأمین می کند و یکی از صادر کنندگان گوشت گوسفند و گاو است. کشاورزی ۱۸ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است و ۳۵/۹ درصد از نیروی کار این کشور را در اشتغال خود دارد. تولیدات عمده محصولات کشاورزی در این کشور عبارتند از: ذرت، گندم، سیب زمینی، چغندر قند، جو، انگور، سیب و سبزی.

معادن عبارتند از: زغال سنگ، مس، روی، آهن، سرب، بوکسیت، منگنز، بیسموت، جیوه، نمک، نقره و نفت رومانی بالغ بر ۲ میلیارد بشکه و تولید سالانه آن ۶۶ میلیون بشکه است. ذخیره گاز ۱۳۳ میلیارد متر مکعب و تولید سالانه آن ۳۲ میلیارد متر مکعب است.

صنایع ماشین سازی قابل ملاحظه است اتوموبیل رنو ۱۸ تحت نام داجیا با موتورهای مختلف، اتومبیل دو سی ال او تحت لیسانس کره جنوبی و جیپ آرو در رومانی برای اشباع بازار کار داخلی و صدور به کشورهای خارجی تولید می شود.



صنایع تراکتورسازی «براشو»، صنایع حقاری چاهای نفت و گاز، صنایع سیمان، صنایع قند و شکر و

صنایع مواد غذایی از دیگر صنایع رومانی محسوب می‌شوند.

ب) واحد پول

واحد پول رومانی «لئو»^۱ است. در زمان حکومت چائوشسکو هر ۹ لی یک دلار بود. اما بعد از سقوط وی

و پس از گذشت ۸ سال از آن تاریخ هر ۸ هزار لی معادل یک دلار است.

ج) نیروی کار

جمعیت فعال رومانی بالغ بر ۱۱ میلیون و ۲۲۰ هزار مفر اعلام شده است که مجموعاً ۴۹٪ از کل جمعیت

این کشور را تشکیل می‌دهد. زنان تقریباً ۳۵٪ از نیروی کار این کشور را تشکیل می‌دهند. اکثر نیروی فعال این

کشور بین ۲۵ الی ۵۰ سال قرار دادند.

عده‌ی بی‌کاران تا پایان سال ۱۹۹۵ بالغ بر یک میلیون و یکصد و پنجاه میلیون نفر است که ۹/۹٪ از نیروی

کار این کشور را شامل می‌شود. با توجه به طرح‌های مختلف خصوصی سازی در رومانی و ضرورت متوقف

ساختن کارخانه‌های ضرر ده پیش بینی می‌شود سال به سال بر میزان بی‌کاران رومانی افزوده شود.

جمعیت

جمعیت رومانی تا سال ۲۰۰۰ ، ۲۲۳۰۰۰۰۰ نفر اعلام گردیده است. بطوریکه پرجمعیت‌ترین کشور

بالکان و مرکز اروپا است. مردم رومانی سفید پوست می‌باشند. ۸۸/۱٪ جمعیت رومانی را رومنها (تقریباً ۷۸٪

^۱ - Leu



ارتدکس) تشکیل می‌دهند و مهم‌ترین اقلیتهای قومی این کشور را مجاری تبارهای کاتولیک با ۷/۹٪ جمعیت، کولیهای ارتدکس ۱/۱، آلمانی‌ها کاتولیک ۱/۶، اکراینی (۳٪)، روس ۰۲٪، صرب (۱٪)، اسلواک (۱٪)، بلغاری (۱٪)، سایر ملیتها (۱٪) سایر هستند. اقلیتهای ترک و تاتار در رومانی با جمعیت ۷۰ هزار نفری مسلمانند و غالباً در مناطقی نزدیک به دریای سیاه ساکنند و دارای دو نماینده در پارلمان میباشند. یهودیان رومانی نیز در حدود ۹۰۰۰ نفر و تحت رهبری خاخام اعظم بسر می‌برند.

نرخ رشد جمعیت

طبق آمار رسمی کمیسیون ملی آمار رومانی، جمعیت این کشور در مدت ۱۵ سال تنها در حدود یک میلیون و دویست هزار نفر افزایش یافته است.

ترکیب جمعیت

بر طبق آخرین آمار سر شماری جمعیت رومانی که در تاریخ ۷ ژانویه ۱۹۹۳ به عمل آمد جمعیت این کشور ۲۲۷۶۴۴۹ نفر اعلام شد. تراکم جمعیت در این کشور ۹۵/۸ نفر در کیلومتر مربع است در مقایسه این سر شماری با سر شماری قبلی که در سال ۱۹۷۷ انجام شد. نشانگر این امر است که رشد جمعیت بسیار کند و در حدود ۵٪ است ۴۸ درصد مردم در شهرها سکونت دارند و پایتخت این کشور بخارست پر جمعیت ترین شهرها است. که ۸/۸ درصد جمعیت کشور در آن ساکن هستند. از لحاظ توزیع سنی ۲۲/۵ درصد جمعیت را افراد ۶۰ سال و بالاتر از آن تشکیل می‌دهند.

عده مردان کمتر از زنان است متوسط عمر مردان ۶۲/۳ سال و زنان ۷۱/۸ سال است.

برطبق همان سر شماری کشور رومانی براساس ملیت ها عبارتند از



درصد	جمعیت	ملیت ها
۸۹/۴	۲۰۳۵۲۹۸	رومانیایی
۷/۱	۱۶۲۰۱۹۹	مجاری
۱/۸	۴۰۹۷۲۳	کولی
۰/۵	۱۱۹۴۳۶	آلمانی
۰/۳	۶۸۸۳۳	اوکراینی
۰/۲	۳۸۶۸۸	روس
۰/۱	۲۹۰۸۰	صرب
۰/۱	۲۴۶۴۹	تاتار
۰/۱	۲۰۶۷۲	اسلوک

سایر اقلیت ها مانند مسلمانان با کمتر از ۰/۵ درصد و یهودی، کروات، چک، لهستانی، یونانی، ارمنی، هر

یک کمتر از درصد جمعیت را به خود اختصاص داده اند. بر طبق آمار، مجموع اقلیت های مزبور در حدود ۱/۸ در

صد کل جمعیت رومانی را تشکیل می دهند.

اقوام و نژادها

نژاد رومانی موسوم به رومانیایی ۸۹/۱۳ درصد جمعیت رومانی امروز را تشکیل می دهد. این اکثریت از

اتلاف و بازماندگان مردمی هستند. که در سال ۱۰۶ میلاد مسیح از امپراتوری روم وارد این سرزمین شدند. اقلیت

های مهم این کشور عبارت اند از مجارها که ۷/۱ درصد کل جمعیت رومانی را به خود اختصاص داده و اکثر

آنها ساکن ترانسیلوانیا هستند. کولی ها ۱/۸ درصد کل جمعیت این کشور را تشکیل می دهند و محل خاصی در

رومانی ندارند. آلمانها با جمعیت در حدود نیم درصد که اکثر در منطقه بانات سکونت دارند.



در رومانی اقلیت های بسیار کوچکی از جمله اوکراینی، یهودی، روسی، صرب، کراوات، ترک، بلغاری، تاتار و اسلواک که هر یک کمتر از یک درصد جمعیت رومانی را تشکیل می دهند. سکونت دارند. ترک و تاتارها جمعیتی در حدود ۷۰ هزار نفر را در رومانی به خود اختصاص داده اند. آنها همگی مسلمان هستند. و مرکز تجمع شان در شهر های کنستازا، مجیدیه، مانگالیا و تکیرگول است. اکثر اقلیت ها در رومانی مطابق قانون اساسی این کشور حق تأسیس مدارس مطابقت هويت خود را دارند. لذا مسلمانان رومانیایی دارای مدارس ویژه خود در استان کنستازا هستند.

بیشترین اقلیت را مجارها تشکیل می دهند. آنها از لحاظ مذهب، کاتولیک بوده و غالباً در منطقه ترانسیلوانیا ساکن اند مجارها دارای ۲۵ سناتور و نماینده مجلسین این کشور هستند. این اقلیت در رومانی ۲۴۴۸ واحد آموزشی در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و مراکز فرهنگی مانند کتابخانه و غیره دارند.

بعد از مجارها، جامعه کولی ها با جمعیتی قریب به نیم میلیون نفر در ردیف بعدی قرار دارند. کولیاها در رومانی به چیگان موسوم اند و برای الحاق این گروه به اکثریت رومن آنها را به نژاد روم نسبت می دهند و در محافل رسمی آنها را به نژاد رومها می شناسند. کولی ها به دلیل اهمیت ندادن به آموزش جزو پر در دسترترین اقوام رومانی محسوب می شوند و معمولاً کارهای پست جامعه به آنها واگذار می شوند. یکی از علل عقب ماندگی کولی ها این است که پشتیبان خارجی ندارند در صورتی که مجارها و آلمانها از حمایت بی دریغ مجارستان و آلمان بهره مندند.

قانون اساسی جدید رومانی که در سال ۱۹۹۱ یعنی پس از تحولات ۱۹۸۹ و سقوط دولت کمونیستی به تصویب رسید، حقوق اقلیت های قومی را به شرح ذیل تأمین کرده است. ماده ۴ بند ۲ رومانی کشوری غیر قابل تفکیک و متعلق به یک اقلیت ملی است برسمیت می شناسد و ضامن آن شده است و کلیه شهروندان رومانی را در برابر قانون یکشان دانسته، برای هر فردی که به یک اقلیت ملی تعلق دارد، حق آموختن و آموزش زبان مادری را



محفوظ داشته است. فعالیت های سیاسی نیز برای اقلیت های قومی در قانون اساسی رومانی پیش بینی شده است و آنان می توانند آزادانه به هر حزب سیاسی بپیوندند. اقلیت های ملی رومانی که آراء کافی برای اعزام نماینده به پارلمان نداند حق دارند یک نماینده در پارلمان معرفی کنند.

زبان و خط

پس از تصرف منطقه داجیا (رومانی فعلی) توسط ترایان در سال ۱۰۶م، استعمار وسیع و سیستماتیک در خصوص ایالت تازه توسط عمال دولت روم صورت گرفت. به عبارت دیگر رومی ساختن این ایالت با تحمیل زبان لاتین به عنوان زبان رسمی کشور و پیدایی ملت جدید داجستی رومی، عنصر بنیادی در روند ساخت نژاد رومانی محسوب شد. زبان رومانی به لحاظ خاستگاه، ساخت و کلمات خود، زبانی رومی است، به طوری که می توان آن را تنها جانشین مستقیم زبان لاتین رایج در منطقه بالکانی امپراتوری روم تلقی کرد.

زبان رومانیایی ریشه لاتین دارد؛ لذا با زبان های ایتالیایی، فرانسوی، پرتغالی، اسپانیایی هم خانواده است. مردم بومی منطقه رومانی فعلی به زبان داجیایی که هم اکنون زبانی مرده است، سخن می گفتند. پس از تصرف این سرزمین توسط ترایان امپراتور روم باستان در قرن اول میلادی و استقرار سربازان رومی در آن به تدریج زبان لاتین در داجیا گسترش یافت و در زمان حاضر زبان رومانیایی زبانی نئولاتین است. منطقه داجیا در شمال دانوب و اطراف کوه های کارپارت بوده است.

شایان ذکر است که در جمهوری مولداوی نیز زبان رسمی این کشور اعلام شده است؛ اما لهجه مولداوی با لهجه رومانیایی متفاوت است خط رومانیایی نیز ریشه لاتین دارد و کلمات آن را همان گونه که تلفظ می شود می نویسند. زبان های رایج در رومانی عبارتند از رومانیایی، مجاری و آلمانی.



ادیان و مذاهب

تشکیلات مذهب

شاخه های مختلف مذهبی موجود در رومانی به شرح ذیل می باشند:

کلیسای ارتدکس رومانی (تقریباً ۷۸٪ از مردم رومانی پیرو این کلیسا هستند. این کلیسا نقش مهمی را در حفظ و دفاع از هویت ملی، توسعه زبان و فرهنگ ملی داشته است.) - کلیسای کاتولیک یونانی - کلیسای رومن کاتولیک - کلیسای اصلاحات - کلیسای انجیلی پیروان آگوستین - کلیسای انجیلی، شورای مشایخ - کلیسای پروتستان - کلیسای ارامنه - مذهب ارتدکس به سبک قدیم - کلیسای مسیحیان - مذهب پنتکوستال - مذهب مسیحیت بر اساس انجیل - خلیفه گری صرب ارتدکس - خلیفه گری اوکراینیهای ارتدکس - یهودیها (بر اساس سر شماری تعداد یهودیهای رومانی تقریباً ۹۰۰۰ نفر هستند که در ۸۰ انجمن محلی سازماندهی شده اند.) - اسلام و مسلمانان (دین اسلام در اوایل قرن سیزدهم که ترک ها و تاتارها در رومانی مستقر شده اند، به این کشور وارد شد. مسلمانان امروز با ایجاد مرکزی در کنستانتزا تحت عنوان ؛ حوزه علوم دینی ؛ سازماندهی شده اند. تعداد مسلمانان در رومانی تقریباً ۷۰/۰۰۰ نفر هستند که بیشتر آنان را ترک و تاتارها تشکیل می دهند. تقریباً ۹۷٪ از مسلمانان در استانهای کنستانتزا و تولچا زندگی می کنند. در رومانی ۵۷ انجمن مسلمانان و ۷۷ مسجد وجود دارد که تنها یکی از این مساجد در بوکارست می باشد.



ارتباطات

رسانه های گروهی

قانون شماره ۴۸ در سال ۱۹۹۲ در مورد رسانه های صوتی و تصویری آزادی بیان و ممنوعیت سانسور را در رسانه های گروهی الکترونیکی پیش بینی کرده است.

قانون مزبور با قانون دیگری به شماره ۴۱ در سال ۱۹۹۴ به نام «قانون سازمان و فعالیت شرکت رادیو و تلویزیون رومانی» تکمیل شد.

رومانی هنوز قانون خاصی برای مطبوعات به تصویب نرسانده است.

مطبوعات

قبل از فرو پاشی کمونسیم در رومانی تعداد روزنامه و هفته نامه انگشت شمار و سانسور کامل در مطبوعات حاکم بود. اما بعد از آغاز تحولات در تاریخ ۱۹۸۹، تعداد نشریات این کشور به طور قابل باوری افزایش یافت و اکنون افزون بر ۱۱۰۰ روزنامه و نشریه منتشر می شود که بیش از یکصد مورد آن به طور روزانه به چاپ می رسد.

شایان ذکر است که یکصد و شش روزنامه و نشریه در رومانی به زبان های اقلیت های قومی از جمله مجاری، آلمانی، صربی، ارمنی، اوکراینی و ترکی منتشر می شود.

در زمان حاضر هیچ گونه کنترلی بر مطبوعات رومانی اعمال نمی شود و وزارت فرهنگ این کشور از ژوئن ۱۹۹۰ کنترل بر مطبوعات را رها ساخت.

ذیلا به تعدادی از مهمترین روزنامه ها و مجلات و یک هفته نامه در رومانی اشاره می شود.



۱. روزنامه رمانیالیبرا (رومانی آزاد)
۲. روزنامه کوتیدیان (روزانه)
۳. روزنامه اونیمتوزی لی (حوادث روز)
۴. روزنامه اده وارول (حقیقت)
۵. روزنامه لیبرتاتا (آزادی)
۶. مجله لومه آپولیتکا (جهان سیاست)
۷. هفته نامه فلاکرا (شعله)

مهمترین مطبوعات

- ادوارول
- رومانیالیبرا
- زیوا
- لیبرتاته
- کوریرل ناسیونال
- کوتیدیان
- کرونیکا روماننا
- اونی منتول زیله



• ناسیونال

مهمترین خبرگزاریها

• روم پرس (دولتی)

• مدیافاکس (خصوصی)

رادیو و تلویزیون

طبق آخرین آمار موجود، در رومانی بیش از ۴/۶ میلیون دستگاه رادیو و بیش از ۴/۶ میلیون دستگاه

تلویزیون مورد استفاده مردم قرار می گیرد. در حال حاضر سه کانال تلویزیونی دولتی و بیش از ده کانال خصوصی

در سراسر کشور برنامه پخش می کنند .

تلویزیون

تلویزیون در رومانی در زمان حکومت چائوشسکو دارای دو کانال بود که هر یک به مدت دو ساعت برنامه

داشت علت کوتاه بودن برنامه همان رذیاضت اقتصادی جهت پرداخت بدهی های خارجی، کاهش مصرف برق

و بوده است.

مجموعاً هر یک از کانال ها به طور متوسط روزانه نیم تا یک ساعت اخبار و برنامه در خصوص ستایش از

رهبر رومانی داشت. مابقی آن فولکور، فیلم مستند و غیره بود. اما بعد از تحولات از سال ۱۹۸۹ در رومانی تعداد

کانال های دولتی به سه کانال افزایش یافته است که یکی از آنها موسوم به برنامه بین المللی است علاوه بر تعداد



کانال های دولتی، تعداد قابل ملاحظه ای نیز کانل خصوصی گشایش یافته است که در میان آنها آنتن یک و کانال هفت^۱ از شهرت زیادی برخوردارند.

کتابخانه ها

۱. کتابخانه ملی

کتابخانه ملی رومانی در سال ۱۹۵۵ ایجاد شد و این کتابخانه در کنار کتابخانه آکادمی رومانی که در سال ۱۸۶۷ ایجاد شده و تعدادی از نسخ خطی زبان فارسی نیز در آن نگهداری می شود از جمله مهمترین کتابخانه های کشور هستند. توجه مردم رومانی به کتاب و کتابخوانی قابل توجه است چراکه ۹۷ درصد از مردم باسواد هستند و قریب به ۸۵ درصد از آنها دارای کتابخانه های شخصی در منازل خویش می باشند. درصد جمعیت دارای تحصیلات عالی نیز قابل توجه بوده و توجه آنها به رسانه های گروهی نیز در این منطقه از اروپا، از سوی بسیاری از محافل فرهنگی، منحصر بفرود توصیف شده است.

یکی دیگر از کتابخانه های مهم رومانی موسوم به کتابخانه ملی است که جزوقدیمی ترین کتابخانه ها است. شایان ذکر است که هریک از دانشگاههای رومانی دارای کتابخانه های تخصصی است به عنوان مثال دانشکده ادبیات رومانی دارای کتابخانه تخصصی خود است سایر دانشکده های دانشگاه بخارست نیز هر یک دارای کتابخانه مختص به خود می باشند. در دوران کمونیسم برخی کتب علوم نظری در کتابخانه دانشکده تاریخ و جامعه شناسی وجود داشت که دانشجویان حق مطالعه آنها را نداشتند علت عمده این بود که تاریخ کشور مطابق

¹ - Tvyzbc- ABC



خواست کمونیست ها بایستی تحلیل می شد لذا کتب تاریخی قبل از دوران کمونیسم و تحلیل هایی که مطابق میل آنها نبوده در اختیار علاقه مندان قرار نمی گرفت.

۲. کتابخانه های کشورهای خارجی در رومانی

کشورهای فرانسه، انگلستان، امریکا، آلمان هریک در رومانی دارای کتابخانه هستند و کتب بسیار زیادی به مناسبت های مختلفی به زبان کشور خودشان به طرف رومانیایی اهدا می کنند و بدین طریق اقدام به نفوذ فرهنگی می کنند. هریک از این کشورها اساتیدی برای آموزش زبان خود به دانشکده های زبان های خارجی دانشگاه ادبیات بخارست اعزام کرده اند. کشورهای امریکای لاتین نیز مشترکا اقدام به تاسیس مرکز فرهنگی امریکای لاتین نموده اند و از این مرکز کشورهای امریکای لاتین جهت برگزاری مراسم خود بهره می برند.

ملاحظات سیاسی

روند تحولات سیاسی

تاریخچه سیاسی

رومانی کشوری اروپایی است و در منطقه کوه های کارپارت، نزدیک دانوب و ساحل دریای سیاه قرار دارد. نیاکان رومانها موسوم به داک ها^۱ (در متون تاریخی یونانیان موسوم به جت ها) هستند. که از شاحه قوم شمال، موسوم به تراکها، می باشند. ۸۰ سال قبل از میلاد مسیح باریستا^۲ توانست داکها این منطقه را تحت

^۱ - Dac

^۲ - Barbista



حکومتی واحد در آورد. از بین جانشینان وی می توان دچبال^۱ (۱۰۶-۸۷ میلادی) را نام برد. وی حکمرانی بود که جنگ های دشواری با امپراتوری روم باستان به رهبری تریان^۲ داشت. بعد از تسخیر منطقه داچیا از سوی تریان در سال ۱۰۶ میلادی، فرآیند رومانیایی کردن داک ها تشدید شد به نحوی که در بین قرن های هفتم تا نهم ملت جدیدی به نام ملت رومن که با ایتالیایی ها، فرانسوی ها، اسپانیایی ها، پرتغالی های لاتین هم خانواده بود، شکل گرفت.

درفرآیند به وجود آمدن حکومت های فئودالی اروپا، چنین به ثبت رسیده است که در منطقه رومن ها این فرآیند پیش از قرن نهم تا چهاردهم به وقوع پیوسته است، در ابتدا شکل های کوچک حکومتی به وجود آمد که بعد ها با یکدیگر متحد شده، حکومت های فئودالی مولداوی، ترانسیلوانیا، تسارارومانسکا و دوبروجا را تشکیل دادند.

فرآیند اتحاد حکومت های فئودالی با یکدیگر، به سبب فشارهای خارجی به نتیجه نرسید به طوری که امپراتوری عثمانی در سال ۱۳۱۷ میلادی منطقه دوبروجا را به خود ملحق ساخت و از سوی دیگر حکومت پادشاهی هنگری^۳ در قرن های دهم و تا سیزدهم ترانسیلوانیا را تسخیر کرد.

مولداوی و تسارارومانسکا ضرورتاً جنگ های دشواری به منظور دفاع از استقلالشان در مقابل توسعه طلبی عثمانی ادامه دادند، به نحوی که تحت حکومت برخی از حکمرانان (دومنیورها) لایق مانند میرچاچل باترین^۴

۱- Dechebal

۲- Traian

۳- Hangry

۴- Mirchea chel Batrin



ولادیسپش^۱ (ولاد نیزه دار) و اشتفان چل ماره^۲ (اشتفان کبیر) حکومت‌های رومنی پیروزی‌های مهمی را به دست آوردند که به علت وجود آنها امکان خود مختاری حکومت‌هایشان در مقابل پرداخت خراج را میسر ساخت. اگر چه دومینتورهای نواحی رومن نشین، تحت لوای حکومت‌های مختلف خود زندگی می‌کردند، مردم رومن مانند یک ملت متحد، که دارای ارتباطات دائمی با یکدیگر بودند متمایز شدند، عامل مهم دیگر مشترک بودن در مذهب ارتدکس بود.

بعد از شکست ارتش مجارستان توسط ترکیه در جنگ موهاچ^۳ در سال ۱۵۲۶، منطقه ترانسیلو به عنوان سرزمین خود مختار، در چارچوب امپراتوری عثمانی قرار گرفت. تمایل جهت اتحاد رومنها نخستین بار، در طول حکومت دومینتور میهای و تیه‌آزو^۴ (میهای دلیر) به وقوع پیوست، به نحوی که در سال ۱۶۰۰ میلادی وی موفق شد تا تسارارومانسکا، ترانسیلوانیا و مولداوی را به زیر فرمان خود درآورد. اگر چه عمر این اتحاد کوتاه بود و میهای ویتیه‌آزو در سال ۱۶۰۱ توسط عوامل امپراتوری اتریش به قتل رسید، اقدام وی به صورت برنامه و الگویی برای نسل‌های بعدی رومن‌ها مبدل شد.

رقابت بین سه امپراتوری بزرگ - روسیه (تزاری)، عثمانی و اتریش - عواقب بسیار منفی برای حکومت‌های رومن به بار آورد، به نحوی که، سرزمین آنان به محل تاخت و تاز و نیز الحاق به طرف پیروزی مبدل شد. بدین ترتیب، اتریش در سال ۱۶۹۱ منطقه ترانسیلوانیا، در سال ۱۷۷۵ منطقه شمال مولداوی، موسوم به

۱- Viad Tespesh

۲- Shtefan Chel Mare

۳- Muhach

۴- Mihai Viteazu



بوکونیا^۱ را به سرزمین خود منضم ساخت. روسیه نیز در سال ۱۸۱۲ بخش شرقی مولداوی، موسوم به باساراب^۲ را به سرزمین خود ملحق کرد.

در قرنهای هفدهم و هجدهم رومنها در زمینه فرهنگی فعالیت بسیاری کردند تا موجودیت ملی خود را نشان دهند.

جنبش های انقلاب به رهبری هورا در ترانسیلوانیا در سال ۱۷۸۴ و تودورولادیمیرسکو^۳ در سال ۱۸۲۱ در تسارارونسکا موجبات آگاهی ملی رومن ها را فراهم کزدو انقلاب دیگری در سال ۱۸۴۸ به وقوع پیوست که در سرتاسر سرزمین رومانی گسترش یافت. این انقلاب قویاً، خواسته مردم رومانی را جهت کسب آزادی و اتحاد با یکدیگر مطرح ساخت. در پیشاپیش انقلابیون سال ۱۸۴۸ اندیشمندان و میهن پرستان رومن مانند نیکلای بالچسکو^۴ میهای گوگل نیچه آنو^۵، واسیلیم الکساندری^۶، یون الیاده رادولسکو^۷، یون برایتانو^۸، روستی^۹، آورام یانکو^{۱۰}، سیمسون^{۱۱} و جرج بارنویستو^{۱۲} قرار داشتند.

-
- ^۱ - Bucovina
 - ^۲ - Basarab
 - ^۳ - Tudur Viadimirescu
 - ^۴ - N. Balchescu
 - ^۵ - M.C.Golniceanu
 - ^۶ - V.Alexandry
 - ^۷ - I.L.Radulescu
 - ^۸ - L.Bratianu
 - ^۹ - Rusely
 - ^{۱۰} - A.Iancu
 - ^{۱۱} - Simion
 - ^{۱۲} - G.Barnutsiu



در ۲۴ ژانویه ۱۸۵۹، اتحاد میان مولداوی با مونته نیا (تسارارومانسکا) تحت حکومت دومنیتورالکساندر یون کوزا^۱ به مرحله اجرا در آمد که در نتیجه این اتحاد، اصلاحات وسیعی انجام گرفت و بر اساس آن رومانی به وجود آمد.

در سال ۱۸۶۶، بعد از حکومت الکساندر یون کوزا، کارول اول از خانواده هرخن زولرن^۲ قدرت را به دست گرفت. وی از خاندان حکومتی پروس^۳ بود. به واسطه این اقدام، رومنها قصد داشتند به حیات سیاسی داخلی بخشیده، از سوی یکی از کشورهای بزرگ اروپایی مورد حمایت بین‌المللی قرار گیرند.

از زمان روی کار آمدن کارول اول، وی همواره تمایل به تغییر مناسبات رومانی با امپراتوری عثمانی و دستیابی به استقلال کامل را داشت، در نامه‌ای که کارول اول، خبر بر تحت نشستن خود را به تزار روسیه اعلام کرد در مورد رهایی مسیحیان از یوغ قدرت شرق سخن رانده بود پس از گذشت چند سال در ژوئن سال ۱۸۷۶ کارول اول مجدداً در باب حل و فصل مسائل جنوب شرقی اروپا گفت که این قضیه راه حلی به جز نابودی امپراتوری عثمانی ندارد. وی از سال ۱۸۷۳ مسئله دست یابی به استقلال را در شورای وزیران به طور صریح مطرح کرد.

سران همواره مخالفت خود را با سیاست همسویی با روسیه اعلام کرده و به عبارت دیگر به مدت زیادی حتی در زمان دست یابی به استقلال از نزدیکی با روسیه هراس داشتند

^۱-I. Cuza

^۲- hukhen Zubern

^۳- Prus



عثمانی در این بین قانون اساسی جدیدی را به تصویب رسانید و طی آن رومانی به عنوان بخشی از امپراتوری عثمانی شناخته شد، دولت رومانی با دریافت این پاسخ اعتراض کرد و این تصمیم را غیر قانونی و نغایر با قرارداد های رومانی - عثمانی عنوان ساخت. شایانذمر است که این قانون اساسی از سوی مدحت پاشا نوشته شده بود. بیدن ترتیب رومن‌ها تصمیم گرفتند تا از طریق نظامی استقلال کشورشان را به دست آورند. یون برایتانو^۱ نخست وزیر وقت طی سفری به کریمه قسمتی از (خاک روسیه) در سال ۱۸۷۶ با الکساندر دوم و گورچه آکف^۲ روسی در مورد انعقاد کنواسیون نظامی روسیه - رومانی جهت آغاز هر گونه جنگی با عثمانی مذاکره کرد این کنواسیون در ۱۶ آوریل سال ۱۸۷۷ در بخارست به امضار رسید. در این قرارداد جزئیات عبور نیروهای روسی از طریق رومانی به سوی بالکان را پیش‌بینی شده در ضمن پترزبورگ متعهد بود به حقوق سیاسی رومن‌ها احترام بگذارد و تمامیت ارضی رومانی را حفظ و از آن دفاع کند.

نیروهای روسی در تاریخ ۲۴ آوریل همان سال وارد مرزهای رومانی شدند تا از آن طریق به دانوب راه یابند. ترکها سواحل مرزهای جنوبی رومانی را بمباران و مورد حمله قرار دادند. وزیر خارجه رومانی در تاریخ ۹ می ۱۸۷۸ در ژارلمان اعلام کرد: دیگر با امپراتوری عثمانی هیچ ارتباطی نداریم... مستقل هستیم، کشوری هستیم که روی پای خود استواریم.

بعد از سخنرانی م. گوگل نیچه آنو^۳ وزیر خارجه رومانی در پارلمان نمایندگان با ۷۹ رای مثبت و ۲ رای ممتنع یادداشت استقلال کامل رومانی را در تاریخ ۹ می ۱۸۷۷ م. اعلام کرد. این استقلال در پی جنگ در کنار روسیه علیه

^۱ - I. Bratianu

^۲ - G. Acef

^۳ - M. C. Golniceanu



عثمانی به دست آمد. به واسطه قرارداد برلین در سال ۱۸۷۷ م استقلال رومانی در سطح بین المللی به رسمیت شناخته شد و منطقه دوبروجابه رومانی ملحق شد.

در پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم جنبش آزادی رومنها در ترانسیلوانیا تحت عنوان ممو رانديست^۱ در دوره (۱۸۹۴-۱۸۹۲) پدید آمد. جنبش رومنهایی ترانسیلوانیا از سوی نویسندگان، شعرا و اندیشمندان پادشاهی رومانی (متشکل از تسارارونسکا و مولداوی) از جمله میهای امینسکو^۲، هاشدوا^۳، اکتاویان گوگا^۴ میهای سادووانو^۵، زنوپل^۶، دیمتریه اونچول^۷ و نیکلای یورگا^۸ مورد تشویق قرار گرفت.

در دوره جنگ جهانی اول، رومنها به سبب آزاد سازی مناطقی از کشورشان، که در اختیار همسایگان بود، بعد از دو سال بی طرفی در سال ۱۹۱۶، در کنار نیروهای متفقین (فرانسه، انگلیس، روسیه و ایتالیا) وارد جنگ جهانی اول شد، ورود رومانی به جنگ به موجب یک پیمان سیاسی، که الحاق ترانسیلوانیا و بوکونیا به رومانی را به رسمیت می شناخت، انجام گرفت. بدین ترتیب، رومنها در جهت از بین بردن نیروهای متحدین وارد جنگ شدند.

^۱ - Memorandist

^۲ - M. Eminescu

^۳ - Hashdau

^۴ - O. Guga

^۵ - M. Saduveau

^۶ - Zenupul

^۷ - D. Unchol

^۸ - N. Iorga



در پی فرو پاشی امپراتوری روسیه و هابسبورگ به علت جنگ، مناطق باساراب، بوکونیا و ترانسیلوانیا به رومانی ملحق شد. کنفرانس پاریس در سال ۱۹۲۰-۱۹۱۹ اتحاد رومن ها در سال ۱۹۱۸ را تأیید کرد. تشکیل رومانی بزرگ (۱۹۱۸) لحظه به ثمر رسیدن آرزوهای مردم رومن بود. در مرحله بعدی، رومن ها فرآیند توسعه و مدرنیزه کردن همه زمین ها را طی کردند. در زمینه سیاسی نیز، نظام دمکراتیک چند حزبی اعلام شد که تا سال ۱۹۳۸ ادامه یافت.

سیاست خارجی رومانی، با دیگه ایجاد و تقویت پیمان های منطقه ای و توسعه روابط دوستی میان همسایگان پایه گذاری شد. برای چه نتیجه رسیدن این اندیشه های سیاسی نقش مهم را نیکلای تیتولسکو^۱ (وزیر خارجه سابق رومانی) ایفا کرد، شخصی که دارای اعتبار بین المللی بوده و بین سال های ۱۹۳۱-۱۹۳۰ به عنوان رئیس مجمع عمومی جامعه انتخاب شد.

وخامت اوضاع بین المللی در اواخر دهه چهارم قرن بیستم به دلیل اتخاذ سیاست سکوت فرانسه و انگلستان در سراسر تجاوزات آلمان و انعقاد پیمان ریبین تروپ مولوتوف^۲ به آغاز دومین جنگ جهانی، در تاریخ اول سپتامبر پ ۹۳۹ منتج شد.

در این چارچوب با توجه به اینکه رومانی در سطح بین المللی منزوی شده بود، شوروی منطقه باساراب و شمال بوکونیا را در ژوئن سال ۱۹۴۰ اشغال کرد و از سوی دیگر، آلمان و ایتالیا، روانی را مجبور ساختند تا بخشی از ترانسیلوانیا را به مجارستان تسلیم کند (آگوست ۱۹۴۰). در این چارچوب، کارول دوم شاه رومانی در

^۱ - N.Tituilescu

^۲ - Riben Trup Molotcf



سپتامبر ۱۹۴۰ از تخت سلطنت کناره گیری کرد و ژنرال آنتونسکو^۱ قدرت را به دست گرفت. آنتونسکو حکومت دیکتاتوری را در داخل کشور برقرار ساخت و در سیاست خارجی، به سوی آلمان و ایتالیا گرایید. در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ رومانی، به رهبری آنتونسکو، در کنار آلمان بر ضد شوروی وارد جنگ شد. آنتونسکو در پی آزاد سازی باساراب ی شمال بوکونیا بود، اهدافی که در جولای ۱۹۴۱ بدان دست یافت. ادامه جنگ از سوی رومانی در شرق و شکست آلمان در ایتالیانگراد موجب شد تا سران سیاسی رومانی در جست و جوی راه حلی جهت رومانی از جرگه کشورهای متحدین و انعقاد قرار داد ترک مخاصمه با بریتانهای کبیر، امریکا و شوروی باشند.

در ۲۳ آگوست ۱۹۹۴، یون آنتونسکو به دستور میهای پادشاه رومانی دستگیر شد و رومانی به نفع کشورهای متفقین به مبارزه علیه آلمان برخاست و به آزاد سازی مناطقی از رومانی، مجارستان، چکسلواکی و اتریش پرداخت و لی بعد از جنگ، رومانی در کنفرانس سلح پاریس (۱۹۴۷م-۱۹۴۶م) به عنوان کشوری شکست خورده و دشمن متفقین محسوب شد و مجبور به پرداخت مبالغ هنگفتی به عنوان خسارات جنگ شد. استقرار مجدد دموکراسی در رومانی دوران کوتاهی داشت، زیرا بر اساس تفاهم میان انگلستان، امریکا و شوروی، رومانی در کنار بلغارستان، مجارستان، یوگسلاوی، چکسلواکی، آلبانی و آلمان شرقی در حیطه سلطه و نفوذ شوروی قرار گرفت.

بعد از یک دوره انتقالی در بین سالهای ۱۹۴۷-۱۹۴۴، رژیم می که الگو گرفته از شوروی استالینی بود، به رومانی تحمیل شد. ولی به تدریج رومانی موفق شد، از زیر سلطه شوروی خارج شود، به نحوی که در سال

^۱ - Antunesco



۱۹۸۵ توانست موافقت شوروی، جهت واحدهای ارتش سرخ از آن کشور را به دست آورد، در ضمن، رومانی طی اعلامیه‌ای علیه اشغال چکسلواکی توسط پیمان ورشو در سال ۱۹۶۸، موضع گرفت و در نتیجه وزیر خارجه وقت رومانی به نام کرنلیو مانسکو^۱ نخستین مقام در یک شکور سوسیالیستی بود که به سمت رئیس مجمع جامعه ملل در سال ۱۹۶۴ برگزیده شد.

ریاست اقتصادی اعمال شده در دهه ۷۰ از سوی نیلای چائوشسکو از یک سو منجر به پرداخت بدهی خارجی و از سوی دیگر موجب کاهش شدید سطح زندگی شد. مخالفت رومانی با اصلاحات انجام شده در سایر کشورهای سوسیالیستی، به ویژه در روسیه به انزوای رومانی در سطح بین‌المللی و به کاهش آزادی در داخل منجر شد.

ساختار حکومت

قوه مجریه

قوه مجریه در رومانی مرکب از رئیس جمهوری، نخست وزیر، هیأت دولت و ریاست دستگاه‌های دولتی است.

ریاست جمهوری، وظایف و اختیارات

رئیس جمهوری در انتخابات سراسری آزاد و مستقیم توسط رای مردم انتخاب می‌شود. رئیس جمهوری ریاست قوه مجریه را عهده دار است. بر طبق قانون اساسی رئیس جمهوری نماینده کشور رومانی و تضمین کننده استقلال ملی، وحدت و تمامیت ارضی کشور است و بر رعایت قانون اساسی و عملکرد صحیح مقامات دولتی

^۱-C.Manescu



مراقبت می کند. برای این منظور رئیس جمهوری به عنوان میانجی و وساطت کننده بین قوای سه گانه در کشور و بین دولت و جامعه عمل خواهد کرد. هیچ کس نمی تواند بیش از دو دوره متوالی به ریاست جمهوری رومانی انتخاب شود. دوره ریاست جمهوری ۴ سال است.

انتصاب نخست وزیر و اعضای دولت پس از رای اعتماد پارلمان، انتصاب یابر کناری وزارا بنا به پیشنهاد نخست وزیر در صورت ترمیم کابینه، از وظایف رئیس جمهوری است.

رئیس جمهوری رومانی ریاست نیروهای مسلح و ریاست شورای عالی دفاع ملی را نیز به عهده دارد.

دولت

رئیس جمهوری پس از مشورت با حزبی که اکثریت آراء انتخابی پارلمانی را به خود اختصاص داده است، یک نفر از آن حزب را برای تصاحب پست نخست وزیری معرفی می کند.

اجرای سیاست های داخلی و خارجی کشور و اداره امور آن به عهده دولت است. دولت باید بر اساس عملکردش در مقابل سؤال های پارلمان پاسخگو باشد. رئیس جمهوری و پارلمان حق دارند دولت را استیضاح کنند و پارلمان نیز می تواند با رای اکثریت نمایندگان رای اعتماد خود را به دولت لغو کند.

قوه مقننه

قوه مقننه در رومانی متشکل از مجلسین نمایندگان و سناست، این قوه در واقع عالیترین ارگان مردم رومانی و تنها قدرت قانون گذاری در کشور است. اعضای آن بر اساس رأی مستقیم مردم به صورت مستقیم، مخفی و آزاد انتخاب می شوند. مجلسین رومانی به طور جداگانه و همچنین به صورت مشترک تشکیل جلسه می دهند.

تصویب قانون هموسکسوالی در رومانی

رومانی تحت فشار شورای اروپا و به توصیه صریح این نهاد اروپایی مجبور به تصویب قانون



هموسکسوالی شد تا بتواند به عضویت کامل آن شورا نایل شود.

کلیسای ارتدکس رومانی مخالفت جدی خود را با تصویب چنین قانونی در پارلمان این کشور اعلام کرد و طرفداران این کلیسا در مقابل مجلسین سنا و نمایندگان رومانی دست به تحصن زدند. احزاب ملی گرای رومانی از جمله رومانی بزرگ و اتحاد ملی رومانی با کلیسا همصدا بودند. علی رغم این مخالفت ها دولت رومانی به جهت عقب نیفتادن از سایر کشورهای شق اروپا در الحاق به شورای اروپا سرانجام قانون مزبور را در پارلمان به تصویب رساند بر طبق این قانون اگر چه هموسکسوالی آزاد شد در صورتی که شکایتی در این مورد در دادگاه مطرح شود مسئله مورد بررسی قرار می گیرد. و فرد خاطی مجازات می شود در حالی که شکایتی در این خصوص مطرح نشود موضوع از طریق مراجع قانونی مورد پی گرد قرار نمی گیرد.

توجه قضاییه

دیوان عالی دادگستری بالاترین مرجع قضایی در رومانی است. رئیس و اعضای آن توسط رئیس جمهوری برای شش سال انتصاب می شوند. بر طبق قانون اساسی، قضاوت مستقل هستند و فقط تابع قانون اند. قاضی نمی تواند در طول خدمت خود به شغل دولتی دیگر به جز مشاغل آموزشی در دانشگاه ها اشتغال یابد. رسیدگی به جرایم و جلسات دادگاه ها علنی است. به جز مواردی که قانون رسیدگی به آنها را غیر علنی اعلام کرده باشد.

شورای عالی قضایی متشکل از رؤسای دادگاه های بخش است که برای یک دوره چهار ساله توسط مجلس نمایندگان و مجلس سنا در اجلاس مشترک انتخاب می شوند. شورای عالی قضایی، قضات و دادستان ها را تعیین و برای انتصاب به رئیس جمهور معرفی می کند.



تقسیمات کشوری

کسور رومانی به ۴۰ استان و ۲۶۰ شهرستان و ۲۶۸۸ بخش تقسیم شده است.

هر اسنانی استاندار و همچنین یک شورای استان دارد که استاندار از سوی دولت منصوب می شود.

شهرداران و اعضای شوراهای محلی از طریق برگزاری انتخابات محلی انتخاب می شوند. این افراد به عنوان

مقامات اداری در شهرستان ها میقتل عمل می کنند.

احزاب و گروههای سیاسی

حزب سوسیال دمکراسی رومانی

پس از انشعاب جبهه نجات ملی در سال ۱۹۹۲، گروهی به رهبری پتره رومن^۱ موفق به حفظ جبهه نجات

ملی به نام خود شده و سایرین به رهبری یون ایلیسکو از حزب جدا شدند آنها جبهه نجات ملی - ۲۲ دسامبر را

تشکیل دادند و سرانجام در جولای ۱۹۹۳ در اجلاس سراسری حزب، نام آن را به حزب سوسیال دمکراسی

رومانی تغییر دادند. حزب دمکراسی سوسیال قوی ترین حزب رومانی است و در دوره سابق پارلمانی نقش حزب

حاکم را به عهده داشت و ۱۱۷ کرسی در مجلس نمایندگان و ۴۹ کرسی در مجلس سنا در اختیار داشت. این

حزب در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۶ در مجلس نمایندگان ۹۱ کرسی و در مجلس سنا ۴۱ کرسی به دست

آورد و به عنوان حزب اپوزیسیون در پارلمان فعالیت می کند. هم اکنون این حزب به تنهایی از سای احزاب دارای

کرسی بیشتری در پارلمان است ولی احزاب راستگرایی حاکم با ایجاد ائتلاف بر آن چیره شده اند.

^۱ - Petre Roman



احزاب مستقل

کنواسیون دمکراتیک رومانی

کنواسیون دمکراتیک رومانی در سال ۱۹۹۲ از مجموع اتحاد حزب و گروه راستگرا و میانه رو شکل گرفت. این کنواسیون در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۲، تعداد ۸۲ کرسی در مجلس نمایندگان و ۳۴ کرسی در مجلس سنا به خود اختصاص داد این کنواسیون در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۶ به دست آوردن ۱۲۲ کرسی در مجلس نمایندگان و ۵۳ کرسی در مجلس سنا به عنوان حزب حاکم پارلمان انتخاب شد.

حزب ملی دهقانان - دمکراسی مسیحی

این حزب با گرایش است، طرفدار شاه سابق رومانی و بزرگترین حزب کنواسیون دمکراتیک رومانی است حزب مزبور جز و بنیان گذاران کنواسیون دمکراتیک است حزب ملی دهقانان - دمکرات مسیحی متعاقب برگزاری انتخابات عموم در نوامبر ۱۹۹۶، ۴۲ کرسی در مجلس نمایندگان و ۲۱ کرسی در مجلس سنا کسب کرد.

حزب اتحاد چپویک

این حزب در سال ۱۹۹۰ تشکیل شد و هنوز نتوانسته است حتی یک کرسی در پارلمان به خود اختصاص دهد. این حزب گرایش لیبرال دارد شایان ذکر است احزاب لیبرال در رومانی کثرت دارند و با هتاوین مختلف ولی جملگی لیبرال هستند تعداد آنها بیش از هشت حزب است. ولی به دلایل متعدد و علی رغم تلاش رهبران آنها هنوز نتوانسته‌اند با یکدیگر ادغام شوند.



حزب دمکراتیک - جبهه نجات ملی

جبهه نجات ملی در سال ۱۹۸۹ بلافاصله پس از سقوط نظام کمونیستی چائوشسکو شکل گرفت. حزب دمکراتیک - جبهه نجات ملی که رهبر آن پتره رومن است گرایش چپ میانه دارد و متمایل به غرب است، این حزب در ائتلاف با کنوانسیون دمکراتیک توانست زمام امور را از نوامبر ۱۹۹۶ به عهده بگیرد.

حزب اتحاد ملی رومانی

این حزب در سال ۱۹۹۰ تأسیس شد. محل فعالیت عمده آن در ناحیه ترانسیلوانیاست و عمدتاً در مخالفت با رومانیایی های مجاری الاصل فعالیت می کند. حزب مزبور جزو احزاب ملی گرای افراطی محسوب می شود. در انتخابات سال ۱۹۹۲، ۳۰ کرسی در مجلس نمایندگان و ۱۴ کرسی در مجلس سنا به دست آورد و در انتخابات سال ۱۹۹۶ و تنها ۱۸ کرسی در پارلمان این کشور کسب کرد.

حزب اتحاد دمکرات و مجاری های رومانی

حزب اتحاد دمکرات مجاری های رومانی تنها حزب رومانی است که براساس قومیت در سال ۱۹۹۰ تأسیس شده است. این حزب خود را مدافع حقوق اقلیت مجاری می داند و خواستار کسب خود مختاری محلی برای این اتحادیه در انتخابات سال ۱۹۹۲، ۲۷ کرسی مجلس نمایندگان و ۱۲ کرسی مجلس سنا را به خود اختصاص داد و در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۶، ۲۵ کرسی مجلس نمایندگان و ۱۱ کرسی مجلس سنا را کسب کرد.

حزب رومانی بزرگ

حزب رومانی بزرگ که نام آن از رومانی بزرگ در سال ۱۹۱۸ ناشی شده است (بعد از پایان جنگ جهانی اول که پادشاه رومانی با تدبیر توانست کلیه سرزمین های رومن نشین خارج از مرزهای رومانی را به خاک خود



ملحق کند، کشورهای رومانی در وسیع ترین شکل جغرافیایی خود قرار گرفت که به نام رومانی بزرگ در تاریخ این کشور مشهور است) این حزب ملی گرا و تندروست و خواهان الحاق بخش های جدا شده از خاک رومانی به این کشور است به خصوص مولداوی که هم اکنون یکی از جمهوری های مستقل مشترک المنافع است حزب رومانی بزرگ در انتخابات سال (۱۹۹۲) ۱۶ کرسی در مجلس نمایندگان و ۶ کرسی در مجلس سنا به دست آورد و در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۶ موفق شد ۱۹ کرسی در مجلس نمایندگان و ۸ کرسی در مجلس سنا کسب کند.

حزب ملی لیبرال

این حزب از جمله احزاب سنتی رومانی است که یابقه آن به سال ۱۸۶۹ باز می گردد. فعالیت این حزب توسط کمونیست ها در سال ۱۹۴۷ متوقف شد. حزب ملی لیبرال در طول تاریخ دو سده گذشته رومانی نقش مهمی در جامعه و سیاست این کشور ایفا کرده است رهبران آن طرفدار نظام پادشاهی در رومانی و راست میانه است.

حزب لیبرال

حزب لیبرال در سال ۱۹۹۳ از ادغام حزب ملی لیبرال کنوانسیون دمکراتیک و حزب ملی لیبرال - شاخه جوانان شکل گرفت. در انتخابات سال ۱۹۹۲ حزب ملی لیبرال - کنوانسیون دمکراتیک ۲ کرسی در مجلس نمایندگان و ۴ کرسی در مجلس سنا و حزب ملی لیبرال - شاخه جوانان ۱۱ کرسی در مجلس نمایندگان و یک کرسی در سنا به دست آوردند.



حزب دمکراتیک کشاورزان رومانی

حزب دمکراتیک کشاورزان رومانی در سال ۱۹۹۰ تأسیس شد. حامیان اصلی این حزب را کشاورزان تشکیل می‌دهند و اعضای آن قریب به ۲۰۰۰۰۰ نفر هستند. دفاع از حقوق کشاورزان هدف اصلی حزب است. حزب دمکراتیک کشاورزان رومانی در انتخابات سال ۱۹۹۲ از ائتلاف با احزاب چپ جدا شد؛ لذا نتوانست در مجلس نمایندگان کرسی به دست آورد ولی در مجلس ۵ کرسی کسب کرد.

حزب اکولوژی رومانی

حزب اکولوژی یا محیط زیست رومانی در سال ۱۹۹۰ تشکیل شد هدف اصلی حزب حمایت و دفاع از محیط زیست است. این حزب در انتخابات سال ۱۹۹۲ در مجلس نمایندگان ۴ کرسی به دست آورد ولی موفق نشد سناتوری به مجلس سنا اعزام کنند.

احزاب ائتلاف دولتی در رومانی (پس از انتخابات نوامبر ۱۹۹۶)

احزاب ائتلاف دولتی عبارتند از :

ائتلاف کنوانسیون دمکراتیک متشکل از ۵ حزب، مجموعاً ۱۲۲ کرسی در مجلس نمایندگان و ۵۳ کرسی در سنا دارند. حزب ملی دهقانان - دمکرات مسیحی بزرگترین حزب کنوانسیون دمکراتیک است.

ائتلاف سوسیال دمکرات الف) حزب دمکرات - جبهه نجات ملی ب) حزب سوسیال دمکرات دو حزب

فوق مجموعاً ۵۳ صندلی نمایندگان و ۲۳ کرسی در مجلس سنا دارد

حزب اتحاد دمکرات مجاری های رومانی احزاب فوق در ائتلاف دولتی حضور دارند ولی تعدادی از

احزاب پارلمانی نیز بدون اینکه نماینده ای در دولت یا در دستگاه های دولتی داشته باشند از ائتلاف دولتی

حمایت می کنند حمایت این دست از احزاب از ائتلاف احزاب دولتی به دلیل همسویی و دیدگاه مشترک آنها



نسبت به مسائل رومانی است و از سوی دیگر احزاب دولتی قدرتمند به کرسی های اندک این احزاب نیازی نداشتند و تعداد کرسی های آنان برای کسب رای اعتماد از پارلمان کفایت می کرد.

ساختار آموزشی

بر طبق ماده ۳۲ قانون اساسی رومانی، آموزش عمومی اجباری و رایگان است. همچنین دولت بر طبق پیش بینی قانون اساسی آموزش مذهبی را برای پیروان هر مذهب تضمین کرده است. لذا مدارس دولتی موظف به اجرای آن هستند. آموزش و پرورش در مدارس رومانی به ژخزبان رمانیایی است و دانش آموزان اقلیت های ملی حق آموزش به زبان مادری را بر طبق قانون اساسی دارند. لذا در کشور رومانی مدارس ویژه اقلیت مجارستانی، آلمانی و ترکی وجود دارد. کشورهای انگلستان و امریکا نیز اقدام به گشایش مدرسه امریکایی و انگلیسی ها در بخارست کرده اند.

در دبیرستانهای رومانی تنها محصلانی که قصد ورود به دانشگاه را دارند. تحصیل می کنند و کسانی که استعداد کمتری برای آموزش عالی دارند از کلاس دهم وارد هنرستانهایی که جهت تربیت نیروی کار مورد نظر سایر دستگاههای دولت ایجاد شده است، می شوند.



آموزش عمومی

آموزش ابتدایی

دوره مقطع ابتدایی چهار سال است و معلمی که از کلاس اول با دانش آموزان همراه است تا کلاس چهارم کلیه دروس همان سال را تدریس می کند. این معلم تنها درس زبان خارجی را از کلاس دوم آغاز می شود تدریس نمی کند.

آموزش مقدماتی متوسطه

این مقطع نیز چهار سال است ولی هر یک از دروس توسط معلم رشته خود تدریس می شود. در سال آخر مقطع راهنمایی امتحان نهایی برگزار می شود که عنوان مدرک سیکل را دارد. در پایان این مقطع دانش آموز به همراه والدین و معلمین مربوط در مورد ادامه تحصیل دانش آموز و انتخاب رشته در مقطع دبیرستان با یکدیگر مشورت می کنند. بعد از مقطع راهنمایی برخی از دانش آموزان که توانایی ادامه تحصیل را در خود نمی بینند دوران دبیرستان را نمی گذرانند و به جای دوران دبیرستان که چهار سال است تنها ۲ سال را تحت عنوان دوره های حرفه ای طی می کنند و سپس وارد بازار کار می شوند.

آموزش تکمیلی متوسطه

این دوره نیز چهار سال است و قریب به ۶۰ درصد کل فارغ التحصیلان مقطع راهنمایی را به خود جذب می کند. این دوره متعلق به دانش آموزانی است که علاقه مند به ادامه تحصیلات در سطح عالی هستند دانش آموزان این مقطع خود به ۵ گروه تقسیم می شوند.

۱. رشته های صنعتی (نساجی، الکترونیک، کشاورزی، حمل و نقل، مکانیک، برق، اتوماتیک و...)



۲. رشته های ریاضی فیزیک (فیزیک، ریاضی، شیمی، کامپیوتر)

۳. رشته های علوم انسانی (تاریخ، جغرافی، روانشناسی، زبان های خارجی، ادبیات، جامعه شناسی...)

۴. رشته های ورزشی

۵. رشته های هنری (سینما، تئاتر، هنر، نقاشی، موسیقی)

دانش آموزانی که توانایی ورود به دبیرستان را ندارند بعد از اتمام دوره راهنمایی ۲ سال دوره کارآموزی در رشته های مختلف را می گذرانند و جذب سازمان های دولتی می شوند. این دوره ها در زمینه الکترونیک، مکانیک، تعمیر کاری وسایل منزل، آرایشگری مردانه و زنانه و کلیه کراهای مرتبط به کارخانه ها که کارگر ماهر می خواهند و مشاغل خدماتی در این دوره ها وجود دارد می شوند.

نکته قابل توجه و ابتکار گونه ای که آموزش و پرورش رومانی آن را جزو سیاست های خود قرار داده عبارت است از آزاد گذاردن تدوین و نگارش کتب درسی توسط عموم علاقه مندان، پس از آغاز سال تحصیلی وزارت آموزش و پرورش سه کتاب از کتب نوشته شده را انتخاب کرد. و به مدارس اعلام می کند هر مدرسه ای می تواند هر کدام از کتب مربوطه را که می خواهد انتخاب کند البته بخشنامه ای برای نوشتن کتب درسی برای مقاطع مختلف ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در اختیار نویسندگان علاقه مند قرار می گیرد.



آموزش عالی

مراکز آموزش عالی

قدمت برخی از دانشگاههای رومانی بر طبق مراسمی که در سال ۱۹۹۵ گرفته شد به ۳۰۰ سال می رسد در سال ۱۹۹۵ آقای امیل کنستانتینسکو^۱ به مناسبت سیصدمین سالگرد تاسیس دانشگاه بخارست از روسای دانشگاههای معتبر جهان از جمله ریاست دانشگاه تهران دعوت به عمل آورد.

قبل از فرو پاشی کمونیسم در رومانی، مراکز استانهای رومانی دارای دانشگاهی دولتی بود به عنوان مثال نام دانشگاههای شهرهای بخارست، یاش، کرایوا و تیمی شوارا به ترتیب عبارت اند از دانشگاه بخارست، الکساندر یون کوزا^۲، کرایوا و تیمی شوارا مثلاً در شهر صنعتی براشو که دارای کارخانه های هواپیما سازی، تراکتور سازی و ماشین سازی است دانشگاه پلی تکنیک فعالیت می کند.

بعد از سقوط نظام کمونیستی در رومانی، تعداد زیادی دانشگاه خصوصی مانند قارچ روییدند، اما هنوز مدارک آنها را معاونت آموزش عالی وزارت آموزش و پرورش رومانی مورد تایید قرار نداده است.

رشته های علوم نظری در طول دوران کمونیسم در رومانی نه تنها رشد نداشته اند بلکه به لحاظ اختناق در این دوران آن طور که باید تدریس نمی شوند. اما بالعکس دروس علمی و فنی در رومانی در طول حکومت کمونیست ها پیشرفت قابل ملاحظه ای داشت به نحوی که رومانی قبل از کمونیسم که تنها در زمینه کشاورزی و دامپروری به طور سنتی پیشرفت داشت در زمینه صنعتی نیز پیشرفت نسبی داشته است گر چه محصولات صنعتی این کشور، با محصولات کشورهای غربی قابل رقابت نیست.

¹ - Emiil Costantinescu

² - A.I. Cuza



آکادمی علوم رومانی

آکادمی علوم رومانی عالیترین ارگان نخبگان علمی رومانی است. اعضای آن استادان با سابقه ای هستند که حداقل چندین کتاب علمی را داخل و خارج از کشور منتشر کرده اند این ارگان استادان برجسته خارجی را نیز به عنوان عضو افتخاری می پذیرند. آکادمی علوم رومانی در سال ۱۸۶۶ تاسیس و در سال ۱۹۴۸ یعنی یک سال پس از استقرار نظام کمونیستی در این کشور سازماندهی مجدد شد. آکادمی علوم رومانی جنبه تشریفاتی نداد و به انجام دادن کارهای تحقیقاتی مشغول است این آکادمی دارای بخش های مختلفی است. مانند ریاضی، علوم فنی، جغرافیا، علوم پزشکی، علوم اجتماعی و اقتصادی. تعداد ۲۸ انستیتوی تحقیقاتی وابسته به آکادمی علوم رومانی در رشته مذکور مشغول فعالیت هستند.

شایان ذکر است که اخیرا رئیس آکادمی علوم رومانی و رئیس فرهنگستان علوم کشورمان موافقت نامه همکاری امضا کرده اند.

آکادمی علوم سیاسی و اجتماعی رومانی

این آکادمی در سال ۱۹۶۷ تاسیس شد و بر طبق اساسنامه ریاست آن را ریاست جمهوری رومانی بر عهده دارد. چنانچه از نام این آکادمی معلوم است در خصوص علوم سیاسی، فلسفه و منطق، باستانشناسی، روانشناسی و تاریخ ادب و هنر فعالیت می کند و تعداد ۲۳ انستیتوی تحقیقاتی وابسته به این آکادمی فعالیت می کند.

آکادمی علوم پزشکی

این آکادمی در سال ۱۹۶۹ تاسیس شد و بیش از ۱۷ انستیتوی تحقیقاتی که در زمینه های پزشکی درمانی و دارویی به تحقیق مشغول اند در این آکادمی فعالیت می کنند.



آکادمی علوم کشاورزی و جنگل داری

این آکادمی در زمینه های کشاورزی و جنگلداری فعالیت می کند و ۱۹ انستیتوی تحقیقاتی در زمینه های فوق زیر نظر آکادمی مزبور مشغول فعالیت هستند.

گسترش آموزش عالی خصوصی در اروپای شرقی

در مجارستان حدود شش نهاد خصوصی آموزش عالی و ۲۶ نهاد آموزشی وابسته به کلیسا وجود دارد اما همین ارقام کوچم در کشورهایی که تا مدتی پیش دولت عهده دار همه چیز بود، قابل توجه است. جورج سوروس میلیارد در آمریکایی مجاری تبار از جمله کسانی بود که پول زیادی در این زمینه صرف کرده است. وی دانشگاه اروپایی مرکزی را در بوداپست تاسیس کرد و اخیرا ۲۵۰ میلیون دلار به آن اهدا کرد.

علت رشد دریافت شهریه چیست؟ اول آن که، بودجه دولتی کاهش یافت، نهادهای دولتی دچار مشکلات مالی شدند و بسیاری از آنها طرح دریافت شهریه را به اجرا گذاشتند. دوم آن که تعداد بسیار زیادی از افراد که متوجه فرصت های موجود در فضای سرمایه داری شده بودند، به ناگهان مشتاق کسب دانش مورد نیاز برای رشد خود شدند. به خصوص تقاضای فزاینده برای صاحبان تخصصی در تجارت، حقوق (به خصوص حقوق بازگانانی)، کامپیوتر و زبان های خارجی، دانشجویان را به سوی آموزش عالی حذب کرد. به نظر می رسد بسیاری از آنان آماده پرداخت شهریه هایی معادل حقوق چند سال هستند تا بتوانند رشد کنند بسیاری از این دانشگاه ها فاقد اعتبار دانشگاههای دولتی هستند که هنوز بهترین دانشجویان و استادان را در اختیار دارند. بسیاری از استادان دانشگاههای خصوصی نیمه وقت هستند و کار اصلی خود را در دانشگاههای دولتی انجام می دهند. در اوکراین می گویند برخی استادان گاه ۳۰ موسسه درس می دهند. اما کیفیت بسیاری از نهاد های



خصوصی رو به بهبود است و در نتیجه شهرتشان بیشتر می شود. چند نهاد توانسته اند. ارتباطاتی با یکی از دانشگاههای اروپایی غربی و آمریکا برقرار کنند و از کمک های آنها در زمینه یافتن منابع مالی و مدیریت برخوردار شوند. این امر باعث می شود که تردید عمومی درباره آنها در داخل کاهش یابد. به علاوه این دانشگاههای دولتی روش تدریس مبتنی بر سبک قدیمی یادگیری حفظی است.

در رومانی حدود یک سوم دتشنجویان در نهادهای آموزشی عالی خصوصی ثبت نام کرده اند. بیش از یک سال از تیر باران نیکولای چائوشسکو سابق رومانی در سال ۱۹۸۹ گذشته بود که بیش از ۴۰ دانشگاه خصوصی تاسیس شد.

در لهستان که دانشکده های علوم تجاری رشد فراوانی کرده اند، بیش از یک چهارم دانشجویان در نهاد های خصوصی درس می خوانند در چندین کشور دیگر اروپایی مرکزی، این رقم بالای ده درصد و در حال افزایش است در بیشتر کشورهای اتحاد شوروی سابق، آموزش خصوصی پا گرفته است. با این حال برخی کشورها در این زمینه محتاطتر از سایرین عمل می کنند.

دولت چک سه سال پیش با معتبر شناختن مدارک دانشگاههای خصوصی موافقت کرد. کشورهای که زمانی یوکسلاوی را تشکیل می دادند، به استثنای اسلوانی، همه در مورد آموزش عالی خصوصی با احتیاط عمل می کنند، اما حتی در این کشورها نیز در جریان است. یک سال پیش پارلمان مقدونیه طرح تاسیس دانشگاه خصوصی را در شهر لئوو که بیشتر ساکنان آن آلبانی تبار هستند، تصویب کرد. حتی در برخی کشورهایی که تعداد نهادهای آموزش عالی خصوصی کمتر بوده است، همان نهادهای موجود هم اثر بزرگی داشته اند. مثلا در بلغارستان ۹ نهاد خصوصی وجود دارد، اما دانشگاه شهر بلگراد در نزدیکی مرز با صربستان اسم و رسم به هم زده



است. با توجه به پرداخت مبالغ هنگفتی پول از طرف آمریکا به این دانشگاه، گاه از آن به عنوان «دانشگاه سیا» نام می برند.

کیفیت آموزش عالی و ضرورت توجه به آن

کیفیت از جمله مفاهیمی است که در ۵۰ سال اخیر در فعالیتهای صنعتی مورد توجه قرار گرفته است (۳). کاربرد این مفهوم در بخش صنعت و بازرگانی موجب ظهور مفهوم (کیفیت جامع)^۲ و (مدیریت کیفیت جامع)^۳ شده و به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته است (۴ و ۵). در سالهای اخیر، کاربرد مفاهیم یادشده در دانشگاهها مورد استقبال قرار گرفته و در برخی دانشگاهها از این کاربرد تحت عنوان بهبود مستمر کیفیت یاد شده است (۶ و ۷).

به طور کلی، درباره کیفیت تعریفهای گوناگونی به دست داده شده است (۸). بر حسب یکی از تعریفها، کیفیت یک عنصر عبارت از (مناسب بودن آن برای هدف مورد نظر)^۹ است. در تعریف دیگری که از سوی سازمان جهانی استاندارد عرضه شده و مورد استناد بسیاری از نویسندگان قرار گرفته، کیفیت عبارت است از (مجموع ویژگیها و خصوصیات یک فراورده یا خدمت که نمایانگر توانایی آن در برآوردن خواستههای بیان شده و یا اشاره شده باشد)^{۱۰}. (شبکه بین المللی نهادهای تضمین کیفیت در آموزش عالی) نیز دو تعریف از کیفیت در آموزش عالی به دست داده است. در این تعریفها، کیفیت عبارت است از تطابق وضعیت آموزش عالی با: الف) استانداردهای از قبل تعیین شده و ب) رسالت، هدف و انتظاراتها.^{۱۱} سرانجام، از نظر یونسکو، کیفیت در آموزش عالی مفهومی چند بعدی است که به میزان زیاد به وضعیت محیطی (زمینه) نظام دانشگاهی، مأموریت یا شرایط و



استانداردهای رشته دانشگاهی بستگی دارد^(۱۲). براین اساس، نمی‌توان گفت که کیفیت از یک نظریه عمومی یا یک الگوی کلی به دست می‌آید.

به این ترتیب، کیفیت در آموزش عالی (حالت ویژه‌ای) از نظام آموزش عالی است. این حالت، نتیجه یک سلسله اقدامات و عملیات مشخص است که پاسخگوی نیازهای اجتماعی معین در یک نقطه زمانی خاص باشد. با توجه به مراتب یاد شده، به منظور فراهم آوردن (حالت ویژه) - که کیفیت مطلوب نظام دانشگاهی را نمایان می‌کند - به طور کلی باید وضع مطلوب عوامل نظام دانشگاهی (درونداد، فرایند و برون‌داد) را تعریف کرد و به صورت مستمر در بهبودی وضع موجود کوشید.

ارزیابی و نقش آن در بهبود کیفیت آموزش عالی

ضرورت ارزیابی در آموزش عالی

برنامه‌ریزی و ارزیابی در نظام دانشگاهی از جمله کارکردهای مدیریت آموزش عالی است. به منظور تحقق بخشیدن به هدفهای این نظام، باید کارکرد ارزیابی بر سایر کارکردهای مدیریت دانشگاهی اشراف داشته باشد. به طور کلی، مدیران با استفاده از ارزیابی می‌توانند مقاصد زیر را تحقق بخشند:

الف) تنظیم امور

ب) اطمینان دادن به افراد ذی ربط و ذی نفع درباره کیفیت امور

ج) اطمینان یافتن از کیفیت نوآوریهای دانشگاهی

د) انتخاب گزینه‌های مناسب برای تحقق هدفها.



برای تحقق هدفهای یاد شده، از ارزیابی تحت عنوان نیازسنجی، ارزیابی تکوینی و ارزیابی پایانی می‌توان استفاده کرد. تأکید بر این نکته نیز ضرورت دارد که ارزیابی با قضاوت کردن درباره پدیده‌ها سروکار دارد. از این رو، با پژوهش متفاوت است. پژوهش به کشف دانش نو می‌انجامد در حالی که، ارزیابی ضمن قضاوت درباره پدیده‌ها به عمل یا اقدام ویژه برای بهتر شدن امور منجر می‌شود^(۱۳).

عوامل مورد ارزیابی در آموزش عالی

از جمله عواملی که معمولاً در نظامهای آموزش عالی ارزیابی می‌شود، سطح ورودی داوطلبان، پیشرفت تحصیلی دانشجویان، هیأت علمی و برنامه درسی است. در سالهای اخیر، ارزیابی پیامدهای آموزش عالی (اشتغال، بیکاری، دانش آموختگان و...) نیز مورد توجه قرار گرفته و اغلب نظامهای دانشگاهی به سنجش آنها پرداخته‌اند. تجربه کشورهای مختلف درباره ارزیابی این عوامل متفاوت است. برای نمونه، در ارزیابی تدریس هیأت علمی، در برخی از کشورها از جمله ایران، از نظرخواهی دانشجویان استفاده می‌شود. اما در سالهای اخیر شیوه دیگری، از سوی یکی از دانشگاههای سوییس مورد استفاده قرار گرفته است^(۱۴). در این شیوه، از کلیه داده‌های در دسترس، از جمله نظر دانشجویان، استفاده می‌شود تا آن عده از اعضای هیأت علمی که در فرایند (تدریس یادگیری) (مشکل آفرین) هستند، شناسایی شوند. سپس، نیازهای این افراد از نظر مهارتهای تدریس و فن‌آوری آموزشی مشخص شده و به آنان کمک می‌شود تا تواناییهای خود را در زمینه‌های یاد شده تقویت کنند. ارزیابی عوامل یاد شده رامی‌توان در چهار سطح به شرح زیر انجام داد:

الف) دوره آموزشی



ب) رشته تحصیلی

ج) گروه آموزشی

د) دانشکده

ه) دانشگاه.

برای انجام دادن ارزیابی در سطح گروه آموزشی (دانشکده یا دانشگاه) می‌توان ارزیابی درونی^۷ (خود-

ارزیابی) یا ارزیابی برونی^۸ را به کار برد. تفاوت عمده این دو نوع ارزیابی در آن است که:

الف) ارزیابی درونی به وسیله خوداعضای تشکیل دهنده واحد دانشگاهی (گروه/ دانشکده/ دانشگاه)

صورت می‌گیرد، در حالی که ارزیابی برونی به وسیله هیأت همگنان (خارج از دانشگاه) انجام شده و

به قضاوت آنان بستگی دارد.

ب) در ارزیابی درونی تأکید بر مقاصد و هدفهای دانشگاه دارد و اینکه تاچه اندازه دانشگاه به هدفهای از

پیش تعیین شده رسیده است، در حالی که در ارزیابی برونی استانداردها مورد تأکید قرار می‌گیرد.

ج) ارزیابی درونی به ابتکار عمل و تمایل اعضای هیأت علمی تشکیل دهنده واحد دانشگاهی بستگی دارد،

در حالی که ارزیابی برونی بر ابتکار عمل دولتی استوار است^(۱۰). برای انجام دادن ارزیابی می‌توان

الگوهای گوناگونی به کار برد. اما استفاده از یک الگوی خاص بستگی به هدف ارزیابی دارد.

در اینجا به اختصار از الگوهای ارزیابی آموزشی فهرست‌وار یاد کرده و الگوی مناسب ارزیابی

دانشگاهی را مدنظر قرار می‌دهیم.



الگوهای ارزیابی مورد استفاده در آموزش عالی

الگوهای ارزیابی آموزشی را به طور کلی می‌توان به چهار دسته عمده تقسیم کرد. یک دسته‌بندی تفصیلی،

این الگوها را به چهارده دسته تقسیم می‌کند^(۱۶). تعدیلی از این دسته‌بندی به شرح زیر است^(۱۷):

۱- الگوی ارزیابی تحقق یافتن هدفها (الگوی تایلر)؛

۲- الگوی شبه آزمایشی؛

۳- الگوی سیپ؛

۴- الگوی استیک (سیمای ارزیابی)؛

۵- الگوی پاسخگویانه؛

۶- الگوی ارزیابی اختلاف؛

۷- الگوی ارزیابی اجرای عمل؛

۸- الگوی ارزیابی هدف - آزاد؛

۹- الگوی ارزیابی کار آگاهانه^۹؛

۱۰- الگوی ارزیابی به مثابه روشنگری؛

۱۱- الگوی ارزیابی مبتنی بر خبرگی^{۱۰}؛

۱۲- الگوی ارزیابی مبتنی بر مدافعه؛

۱۳- الگوی ارزیابی مشارکتی؛

۱۴- الگوی ارزیابی اعتبار بخشی^(۱۸).



درمیان الگوهای یاد شده، الگوی اعتبار بخشی کاربرد وسیعتری در آموزش عالی داشته است. کاربردی از

این الگو را می‌توان در نظام آموزشی آمریکا از سال ۱۹۰۵ مشاهده کرد^(۱۹).

اما استفاده از الگوی اعتبار بخشی در آموزش عالی سایر کشورها در ده سال گذشته متداول شده است. در

آموزش عالی ایران، به منظور استفاده از این الگو برای رتبه‌بندی دانشگاهها، کوششهایی در آغاز تأسیس

مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی به عمل آمد اما این کوششها در سطح تدوین طرح ارزیابی متوقف شد. به

طور کلی، اعتبار بخشی مترادف با ارزیابی برونی است. این نوع ارزیابی (فرایندی است که از طریق آن، یک مؤسسه

آموزشی، به واسطه صلاحیتهای تشکیل دهنده‌اش، به وسیله نهادی برونی معتبر شناخته می‌شود. هدف این فرایند آن

است که کیفیت مؤسسه‌های آموزشی را گواهی کند و آنها را در بهبودی امورشان یاری دهد)^(۲۰).

الگوی اعتبار بخشی، به عنوان یکی از الگوهای ارزیابی مبتنی بر ملاکهای درونی، بر عوامل درون‌داد نظام

تأکید داشته است. به عبارت دیگر، در گذشته، کاربرد این الگو به قضاوت درباره عواملی چون پذیرش دانشجو،

هیأت علمی، برنامه درسی و امثال آن می‌پرداخته است. اما کاربردهای اخیر الگوی یاد شده بر عوامل فرایند و

برون‌داد نظام نیز تأکید دارد. در این الگو، قضاوت به وسیله هیأت‌همگنان، با توجه به استانداردهای از قبل تعیین

شده، صورت می‌گیرد. از جمله عوامل برون‌داد که اخیراً در این الگو مورد توجه قرار گرفته، وضعیت دانش

آموختگان و چگونگی اشتغال آنان است.

در فرایند استفاده از الگوی اعتبار بخشی، ابتدا عوامل مورد نظر در ارزیابی مشخص می‌شود و سپس،

استانداردهایی برای هر عامل تعریف شده و داده‌های لازم درباره وضعیت موجود آنها گردآوری می‌شود. پس از آن،

با توجه به اهمیت (وزن) هر عامل، داده‌ها تلفیق شده و براساس آن درباره نظام دانشگاهی قضاوت می‌شود.

این قضاوت به وسیله رتبه‌بندی نظامهای مورد ارزیابی، در مقایسه با استانداردهای از قبل تعیین شده، انجام



می‌شود. به دیگر سخن، در الگوی اعتباربخشی، کیفیت مورد نظر همان تطابق ویژگی‌های نظام مورد ارزیابی با استانداردهای از قبل تعیین شده است. از این رو، برای ارزیابی کیفیت نظام‌های دانشگاهی، می‌توان از الگوی اعتباربخشی استفاده کرده و با محاسبه امتیازهای به دست آمده برای هر نظام دانشگاهی، رتبه‌ای ویژه، از نظر کیفیت، برای آن مشخص کرد. رتبه‌ای که از این طریق به دست می‌آید منزلتی است که به نظام دانشگاهی مورد ارزیابی اعطا می‌شود (۲۱). در واقع این منزلت، اعتبار علمی است که از طرف هیأت ارزیابان (همگنان) برای نظام مورد ارزیابی شناسایی شده است. مفروضه اصلی کاربرد الگوی اعتباربخشی درباره یک نظام دانشگاهی آن است که: الف) مسئولان نظام دانشگاهی مشتاق ارزیابی کیفیت فعالیتهای گذشته هستند، ب) نظام دانشگاهی در مرحله اول به ارزیابی درونی خود خواهد پرداخت و ج) نظام دانشگاهی از طرف هیأت همگنان مورد بازدید قرار خواهد گرفت و ضمن بازنگری گزارش ارزیابی درونی، درباره کیفیت نظام دانشگاهی، با توجه به استانداردها و داده‌های حاصل از ارزیابی درونی، قضاوت خواهد کرد. به طور خلاصه، برای قضاوت درباره کیفیت یک نظام دانشگاهی می‌توان سه رویکرد را مورد توجه قرار داد (۴۴):

– تحقق هدفهای بیان شده نظام دانشگاهی؛

– مطلوبیت فرایند عملیات نظام دانشگاهی؛

– تطابق عملکرد نظام دانشگاهی با استانداردهای از قبل تعیین شده.

روشهای ارزیابی دانشگاهی در کشورهای اروپایی

استفاده از ارزیابی دانشگاهی برای قضاوت درباره کیفیت آموزش عالی در کشورهای اروپایی در دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز شد. از جمله کشورهایی که در این زمینه فعالانه کوشش کرده‌اند فنلاند، هلند، فرانسه، آلمان و انگلستان است. برخی دیگر از کشورهای اروپایی غربی از جمله سوئد، دانمارک و اسپانیا و نیز اروپای شرقی



ماندرومانی نیز تلاشهایی در این زمینه به عمل آورده‌اند (۲۷، ۲۸، ۲۹ و ۳۰). در فنلاند، کوشش برای ارزیابی آموزش عالی از سال ۱۹۹۰ آغاز شد. هر یک از دانشگاههای فنلاند، به طور داوطلبانه به انجام دادن ارزیابی درونی پرداخته‌اند. در ابتدا، این کوششها تحت نظر شورای آموزش عالی فنلاند انجام می‌گرفت. در سال ۱۹۹۵، شورای عالی ارزیابی آموزش عالی تشکیل شد. این شورا وظیفه ارزیابی دوره‌های آموزش عالی در فنلاند و گسترش ارزیابی در این نظام را بر عهده‌دارد. برای ارزیابی آموزش عالی در این کشور بر ارزیابی درونی دانشگاهی تأکید می‌شود. اما برخی از دانشگاهها نیز داوطلبانه درخواست می‌کنند تا ارزیابی برونی درباره آنها انجام شود. در فنلاند زیرنظام پژوهشی، جداگانه از آموزش دانشگاهی، ارزیابی می‌شود. برای این منظور، از پژوهشگران بین‌المللی که در رشته خود از احترام ویژه‌ای برخوردار هستند، دعوت می‌شود تا درباره تحقیقات در این کشور قضاوت کنند. پس از تدوین و عرضه گزارش ارزیابی، پژوهشگران نظرها و پیشنهادهای عرضه شده را با توجهی خاص مورد نظر قرار داده و برای بهبود امور، مورد استفاده قرار می‌دهند. برای هر طرح ارزیابی درباره نظام پژوهشی، یک کمیته سازماندهی تشکیل می‌شود که هماهنگی آن بر عهده یک عضو هیأت علمی فنلاندی است.

(گزارش ارزیابی تحقیق) شامل بخشهای زیر است:

الف) شرایط عمومی تحقیق و ساختار نظام تحقیقاتی

ب) سطح و جهت تحقیقات در مقایسه با وضعیت بین‌المللی

ج) نظر اقتصادی درباره هر گروه پژوهشی مورد ارزیابی

د) پیشنهاد برای بهبودی امور پژوهشی.

نظام ارزیابی کیفیت در آموزش عالی هلند در سال ۱۹۸۵ تأسیس شد. در آن زمان، دانشگاهها طالب آزادی

عمل بیشتری بودند. دولت هلند برای اعطای آزادی بیشتر و عدم تمرکز در تصمیم‌گیری در نظام آموزش عالی،



نظام ارزیابی آموزش عالی را مستقر کرد. هدف اصلی این نظام، نظارت بردانشگاهها برای تضمین کیفیت در آموزش عالی است. در سال ۱۹۸۷، ارزیابی دانشگاهها به طور مقدماتی در چند رشته آغاز شد و ارزیابی درونی در مورد آنها به عمل آمد. گزارش این ارزیابی شامل داده‌های آماری تفصیلی درباره افت تحصیلی و مدت لازم برای دانش آموختگی و چگونگی اشتغال دانش‌آموختگان است. تأکید نظام ارزیابی آموزش عالی هلند بر ارزیابی برونی و هدف آن تقویت کیفیت دانشگاهی است. در این نظام، خلاصه‌ای از گزارش ارزیابی برونی برای استفاده دانشگاهیان انتشار می‌یابد. اما گزارش تفصیلی ارزیابی برونی که در برگیرنده همه جنبه‌هاست، برای نهادهای دولتی ذی‌ربط در آموزش عالی و نیز رؤسای دانشکده‌ها و مدیریت دانشگاه ارسال می‌شود. در این گزارش، چگونگی بهبود کیفیت نظام دانشگاهی مورد نظر قرار می‌گیرد (۳۲). توجیه توزیع گسترده خلاصه ارزیابی برونی و توزیع محدود گزارش تفصیلی آن است که دولت و جامعه به طور وسیع باید از کیفیت دانشگاهها مطلع شوند. اما مسایل مدیریت داخلی آنها از جمله مسؤلیتهای دانشگاه است که فقط مسؤلان مستقیم باید از آنها مطلع شوند. این عمل باعث شده تا دانشگاهها پس از ارزیابی در صدد رفع کمبودهای ناشی از مدیریت برآیند و کیفیت دانشگاهی را بهبود بخشند. هر چند ارزیابی دانشگاهی در هلند به وسیله یک نهاد دولتی انجام می‌شود، اما از نتایج ارزیابی برای بازخورد منفی استفاده نمی‌شود. به عبارت دیگر، نتایج نامطلوب ارزیابی باعث نمی‌شود که اعتبار مالی کمتری به نظام دانشگاهی تخصیص داده شود. بلکه در چنین حالتی، به نظام دانشگاهی مورد نظر توصیه می‌شود که در مدت زمان معین به بهبود کیفیت خود بپردازد. بدیهی است در صورتی که نظام دانشگاهی طبق پیشنهادها عرضه شده نسبت به بهبود کیفیت اقدام لازم را به عمل نیاورد، دولت اعتبارات مالی آن را کاهش می‌دهد. در ارزیابی آموزش عالی در کشور هلند، سعی بر آن بوده است که دولت با استفاده از نتایج ارزیابی، مسؤلیت اثربخشی دانشگاهها را به میزان بیشتری به خود آنها تفویض کند به گونه‌ای که میان عملکرد آموزش



عالی و هزینه‌های آن رابطه مناسبتری برقرار شود. هر چند در این کشور از الگوی اعتباربخشی استفاده می‌شود، اما قبل از استفاده گسترده از این الگو در آموزش عالی هلند، ارزیابی درونی به‌میزان قابل توجهی به کار برده شده است^(۳۳).

در انگلستان، برای ارزیابی دانشگاهی، شورای تخصیص اعتبارات آموزش عالی در سال ۱۹۹۳ تأسیس شد^(۳۴). وظیفه این شورا، آگاه کردن نظامهای دانشگاهی به اهمیت ارزیابی و ترغیب آنها به استفاده از ارزیابی درونی برای پی‌بردن به وضعیت موجود خود بوده است. این ارزیابی شامل گردآوری داده‌ها و تحلیل آنها درباره عواملی چون ترکیب جمعیت دانشجویی، پیشرفت تحصیلی دانشجویان، هزینه سرانه، دوره‌های آموزشی مورد اجرا و اشتغال دانش‌آموختگان بوده است. در انگلستان، تخصیص اعتبارات دانشگاهی با نتایج ارزیابی رابطه‌ای مستقیم دارد. در این کشور، تجربه ارزیابی در آموزش عالی در سالهای قبل از تشکیل شورای یادشده، ارزیابی مدیران گروههای آموزشی دانشگاهها را شامل می‌شد^(۳۵). اما این گونه ارزیابی در بهبود کیفیت چندان مؤثر نبود. در حالی که شیوه ارزیابی درونی که در حال حاضر به کار برده می‌شود، به میزان بیشتری در اقدامات مربوط به بهبود کیفیت تأثیر می‌گذارد. فرانسه در سال ۱۹۸۵ با تصویب قانون مربوط به کمیته ملی ارزیابی آموزش عالی^{۱۲}، کوشش ویژه‌ای برای ارزیابی دانشگاهی به عمل آورد. این کمیته که یک نهاد مستقل دولتی است، دانشگاهها رایاری می‌دهد تا درباره امور خود قضاوت کرده کیفیت آموزش، تحقیق و توسعه نظام دانشگاهی خود را بهبود بخشند. از جمله ویژگیهای روش ارزیابی مورد استفاده در آموزش عالی فرانسه رعایت اصل گفت و شنود مستمر میان اعضای گروه ارزیابی و تصمیم‌گیرندگان است. در این روش، ابتدا رسالت و هدف هر دانشگاه (شامل آموزش، آموزش مداوم و تحقیق) مدتوجه قرار می‌گیرد سپس، داده‌های لازم برای تصویر کیفیت دانشگاهی تهیه و تحلیل شده و گزارش آن به گروه ارزیابی عرضه می‌شود. گروه ارزیابی که از طرف کمیته ملی ارزیابی آموزش



عالی مأموریت دارد تا دانشگاه مورد نظر را ارزیابی کند، به بررسی گزارش ارزیابی پرداخته و در چهارچوب هدف دانشگاه به گفت و شنود با مسؤولان دانشگاهی می پردازد. گزارش ارزیابی که برای استفاده دانشگاهیان انتشار می یابد، برجتهایی از قبیل وضعیت یادگیری، زندگی دانشجویی، مدیریت منابع انسانی و مدیریت مالی تأکید دارد. در تدوین این روش ارزیابی، قبلاً با هیأت علمی نظام آموزش عالی فرانسه مشورت شده و تأیید اعضای آن جلب می شود. مجموعه ای از عوامل موجب شده که کاربرد ارزیابی در آموزش عالی فرانسه مورد توجه قرار گیرد. از جمله این عوامل می توان به افزایش تعداد دانش آموختگان متوسطه و تقاضا برای آموزش عالی در فرانسه، پیشرفتهای سریع فن آوری و نیز تحرک دانشگاهیان در سطح اروپا اشاره کرد. این عوامل تا اندازه ای باعث شده که دانشگاههای فرانسه با مسأله گزینش و تخصصی شدن در رشته های دانشگاهی روبه رو شوند. از طرف دیگر، کاهش رشد اقتصادی در دهه ۱۹۹۰ باعث شده است که دانشگاهها در این دهه از بودجه کافی برخوردار نباشند. از این رو، به منابعی غیر از منابع مالی دولت، از جمله جوامع محلی و منطقه ای، روی آورده اند^(۳۶). در چنین حالتی، دانشگاهها باید نیازهای محلی و منطقه ای را مورد نظر قرارداده و دربرآوردن این نیازها کوشا باشند تا بتوانند به (کیفیت دانشگاهی) دست یابند. با استفاده از نتایج ارزیابی در سالهای اخیر، نوآوریها و دگرگونیهای ویژه ای در دوره ها و رشته های آموزش عالی فرانسه طراحی شده و به اجرا درآمده است. از جمله این دگرگونیها می توان به ایجاد دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد (میان رشته ای)^{۱۳} و (به هم تنیده)^{۱۴} مانند: مدیریت اقتصادی - اجتماعی و زبانهای خارجی کاربردی، ریاضیات کاربردی در علوم اجتماعی و کارشناسی ارشد علوم و مدیریت اشاره کرد. به طور کلی، نظام ارزیابی آموزش عالی در فرانسه شامل جنبه های زیر است:

- تدوین و تصویب نشانگرهای آموزشی و نمایان ساختن آنها در فرایند ارزیابی؛

- گردآوری داده ها و تحلیل آنها در چهارچوب نشانگرهای آموزشی؛



– تأثیر دادن نظر همگنان در نتیجه ارزیابی؛

– استفاده از دستورالعمل مشخص برای قضاوت کردن درباره کیفیت دانشگاهی؛

– انتشار نتایج ارزیابی در سطح کشور؛

– استفاده از نتایج برای دگرگونی و نوآوری در آموزش عالی.

به طوری که ملاحظه می‌شود، نظام ارزیابی آموزش عالی در فرانسه شامل خود-ارزیابی (ارزیابی درونی) و ارزیابی برونی است. از طریق این شیوه ارزیابی، تاکنون جایگاه ۸۶ دانشگاه در طیف کیفیت آموزش عالی فرانسه مشخص شده است. در سایر کشورهای اروپای غربی از جمله سوئد، دانمارک و اسپانیا و نیز اروپای شرقی از جمله رومانی کوششهایی در ارزیابی آموزش عالی به عمل آمده اما این کوششها به گستردگی تجربه‌های کشورهای یاد شده نبوده است .

تاریخچه قانون اساسی

نخستین قانون اساسی دمکارتیک در رومانی در سال ۱۹۲۳ به تصویب رسید که در سپتامبر ۱۹۴۴ تغییراتی در آن داده شد. پس از استقرار نظام کمونیستی در رومانی به سال ۱۹۴۷، سران آن رژیم در سال ۱۹۴۸ پس از استقرار نظام کمونیستی در رومانی به سال ۱۹۴۷، سران آن رژیم در سال ۱۹۴۸ نام قانون اساسی آن کشور را به قانون اساسی جمهوری خلق رومانی و در سال ۱۹۶۵ به قانون اساسی رومانی سوسیالیستی تغییر داد. البته بدیهی است رژیم کمونیستی رومانی محتوای قانون اساسی این کشور را با روح کمونیسم منطبق ساخته بود.

تحولات دسامبر ۱۹۸۹ بدون شک صفحه جدید رومانی با ۴۱۴ رای مثبت (مل نمایندگان پارلمان ۵۱۰ نفر بودند) به تصویب پارلمان این کشور رسید و در تاریخ ۸ دسامبر ۱۹۹۱ مردم این کشور نیز در یک همه پرسی



آن را تصویب کردند که در این همه پرسی از ۹/۶ میلیون نفر واجدین شرایط، ۱۰/۹ میلیون نفر در همه پرسی شرکت نمودند در نتیجه ۷۶ درصد رای مثبت، ۲۲ درصد رای منفی ۲ درصد رای سفید دادند.

قانون اساسی جدید رومانی شامل ۷ فصل و ۱۵۲ ماده قانونی است. در قانون اساسی جدید رومانی برخلاف قانون اساسی سابق این کشور آزادی های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تشکیل احزاب، گروهها، اجتماعات، آزادی فعالیت های اقتصادی و غیره به رسمیت شناخته شده است. کلیه اتباع روانی بدون هیچ گونه تبعیض از قبیل نژاد، ملیت، قومیت، زبان، مذهب، جنسیت، عقیده و گرایش سیاسی در مقابل قانون مساوی هستند. کسب تابعیت، ابقا و ترک تابعیت روماین بر طبق قانون انجام می گیرد و اگر کسی تابعیت رومانی را بر اساس تولد به دست آورده باشد نمی توان آن را لغو کرد.

قانون اساسی جدید رومانی حفظ هویت مذهبی، زبان، فرهنگ و نژاد اقلیت های ملی این کشور را تضمین کرده است.

نحوه تجدید نظر در قانون اساسی نیز پیش بینی شده است. ابتکار تجدید نظر در قانون اساسی می تواند از طرف رئیس جمهوری، پیشنهاد دولت، حداقل یک چهارم عده نمایندگان یا سناتورها و همچنین به وسیله در خواست پانصد هزار نفر از شهر وندان دارای حق رای صورت گیرد.

طرح پیشنهاد تجدیدی نظر به وسیله مجلس نمایندگان و مجلس سنا با اکثریت حداقل دو سوم اعضا در هر مجلس تصویب خواهد شد و تجدید نظر پس از تصویب آن در یک همه پرسی ظرف ۳۰ روز از نتایج طرح یا پیشنهاد تجدید نظر، نهایی و قطعی خواهد بود



استقلال، تفکیک ناپذیری رومانی، نظام جمهوری به عنوان شکل حکومتی، تمامیت اراضی، استقلال قوه قضایی، کثرت گرایی سیاسی و زبان رسمی رومانی مشمول قانون مربوط به تجدید نظر قانون اساسی رومانی نمی شود.

قوانین اصلی قانون اساسی

اصل ۱

رومانی یک جمهوری سوسیالیستی است. جمهوری سوسیالیستی رومانی دولتی است حاکم، مستقل و بسیط و متشکل از مردم، کارگر، شهرها و روستاها، رومانی سرزمینی است تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیم.

اصل ۲

در جمهوری سوسیالیستی رومانی همه قدرت متعلق به مردم است. مردم آزاد، و حاکم بر سرنوشت خود، می باشند. قدرت مردم متکی بر اتحاد کارگر و دهقان است. در میثاق وحدت و یگانگی، طبقه کارگر (طبقه پیشرو جامعه)، دهقانان، روشنفکران و طبقات دیگر زحمتکش صرفنظر از ملیت خود، سازنده سیستم سوسیالیستی بوده و زمینه انتقال به سوی کمونیسم را بوجود می آورند.

اصل ۳

در جمهوری سوسیالیستی رومانی، حزب کمونیست رومانی نیروی سیاسی رهبری کننده کل جامعه است.

اصل ۴

ملت که صاحب واقعی قدرت است، این قدرت را از طریق مجمع بزرگ ملی و شوراهای خلق، اعمال می نماید. مجمع ملی و شوراهای خلق سازمانهایی هستند که با آراء عمومی برابر، مستقیم و مخفی انتخاب می شوند. مجمع



بزرگ ملی و شوراهای خلق، مبنای اساسی سیستم سازمانی دولت را تشکیل می دهد. مجمع بزرگ ملی، بالاترین مقام قدرت دولتی است که تمام سازمانهای دیگر دولت تحت نظر و راهنمایی آن به فعالیت می پردازند.

اصل ۵

اقتصاد ملی رومانی، یک اقتصاد اشتراکی است که براساس مالکیت اشتراکی ابزار تولید بنا شده است. در جمهوری سوسیالیستی رومانی، استثمار انسان از انسان برای همیشه ملغی شده است و اصل توزیع سوسیالیستی، برحسب کمیت و کیفیت کار به مرحله اجرا در آمده است. کار یک وظیفه شرافتمندانه هر شهروند این کشور است.

اصل ۶

مالکیت سوسیالیستی وسائل تولید یا به صورت مالکیت دولتی است. یعنی اموالی که متعلق به کل جامعه است یا به شکل مالکیت تعاونی است یعنی اموالی که به یک سازمان تعاونی تعلق دارد.

اصل ۷

هرنوع ثروتهای زیر زمینی، معادن، زمینهای دولتی، جنگلها، آبها، منابع طبیعی، نیرو، کارخانجات، ماشین آلات، بانکها، مزارع دولتی، ایستگاه های کشاورزی و تراکتور ها، وسائل ارتباطی، وسائل حمل و نقل دولتی، وسائل مخابراتی، ساختمانهای دولتی، منازل مسکونی و تأسیسات اساسی اجتماعی فرهنگی دولت، متعلق به همه مردم، یعنی متعلق به دولت است.

اصل ۸

تجارت خارجی در انحصار دولت است.

اصل ۹



زمین های تعاونی تولیدی کشاورزی، حیوانات، ابزار، تأسیسات و ساختمانهای مربوط به آنها در مالکیت تعاونی است. قطعه زمینی که طبق مقررات تعاونی تولید کشاورزی مورد کشت یک خانواده کشاورز عضو آن تعاونی است در مالکیت تعاونی باقی می ماند. منازل مسکونی در مزارع و متفرعات آن، زمینی که بر روی آن قرار دارند در حدی که مقررات تعاونی تولید کشاورزی مقرر می دارد، احشام و محصولات جزیی کشاورزی و در ملکیت شخصی دهقانان تعاونی می باشد. ابزار، ماشین الات، تأسیسات و ساختمانهای تعاونی های صنایع دستی و تعاونی های مصرف، به ملکیت تعاونی تعلق دارد.

اصل ۱۰

تعاونی های تولید کشاورزی، که یک شکل سوسیالیستی سازمان کشاورزی است، شرایط لازم را برای کشت گسترده زمین با استفاده از علوم پیشرفته فراهم می سازند و با افزایش تولید به توسعه اقتصاد ملی و بالابردن سطح زندگی دهقانی و نتیجتاً به بالابردن سطح زندگی همه مردم کمک می کنند.

دولت سازمانهای تعاونی تولید کشاورزی و دارایی های آنها و همچنین سازمانهای تعاونی دیگر و دارایی های آنها را حفظ و حمایت می نماید.

اصل ۱۱

در صورت تعاونی شدن کشاورزی، دولت برای دهقانانی که نتوانند به عضویت شرکت های تعاونی درآیند، مالکیت زمین و حیواناتی را که توسط آنان و خانواده ایشان برای تولید و کار مورد استفاده قرار می گیرند را تضمین می کند. کسانی که به کار ساخت صنایع دستی اشتغال دارند مالک کارگاه خود می باشند.

اصل ۱۲

زمین و ساختمان را فقط برای کارهای عام المنفعه و با پرداخت غرامت عادلانه می توان مصادره کرد.



اصل ۱۳

هدف عمده فعالیت های کشور جمهوری سوسیالیستی رومانی، توسعه سیستم سوسیالیستی و بهزیستی ملت، بالابردن مستمر سطح زندگی و فرهنگی مردم و تأمین آزادی و حیثیت انسان و تقویت شخصیت انسانی در تمام ابعاد می باشد. جمهوری سوسیالیستی رومانی، اقتصاد ملی را سازمان داده و هدایت می کند و از مالکیت سوسیالیستی دفاع نموده و اجرای کامل حقوق شهروندان را تضمین می کند، آموزش و پرورش را در تمام سطوح توسعه می دهد، شرایط توسعه علوم، هنر و فرهنگ را فراهم می کند و برنامه های بهداشت عمومی را اجراء کرده و عهده دار دفاع و امنیت کشور و اداره قوای مسلح می باشد و روابط با کشورهای دیگر را تنظیم می نماید.

اصل ۱۴

جمهوری سوسیالیستی رومانی در حفظ و توسعه روابط دوستی و همکاری و برادری با کشورهای سوسیالیستی کوشا می باشد، روابط همکاری را با کشورهایی که دارای نظام های اجتماعی سیاسی دیگری هستند بهبود داده و در سازمانهای بین المللی به منظور تأمین صلح و تفاهیم بین ملتها فعالیت می نماید. روابط خارجی جمهوری سوسیالیستی رومانی بر مبنای احترام به اصول حق حاکمیت، استقلال ملی، تساوی حقوق و منافع متقابل و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر استوار گردیده است.

اصل ۱۵

سرزمین جمهوری سوسیالیستی رومانی به واحدهای اداری - منطقه ای زیر تقسیم شده است :

استان، شهرستان، شهر، ده.

استانهای جمهوری سوسیالیستی رومانی عبارتند از :

آروس - باکائو - بانات - براسو - بخارست - کلوی - کریسانا - ذبرجا - گالاتی - هون دوآرا - جاسی



ماراموس - مورس ماجیار - اتونوموس - التینا - سوکساوانا.

پایتخت جمهوری سوسیالیستی رومانی، شهر "بخارست" می باشد.

اصل ۱۶

کسب تابعیت رومانی و ترک تابعیت آن را قانون معین می کند.

اصل ۱۷

شهروندان جمهوری سوسیالیستی رومانی صرفنظر از ملیت، نژاد، جنس و مذهب، دارای حقوق مساوی در تمام زمینه های اقتصادی، سیاسی، قضایی، اجتماعی و زندگی فرهنگی می باشند. حکومت جمهوری سوسیالیستی رومانی تساوی حقوقی هموطنان را تضمین می نماید. محدود کردن این حقوق و تبعیض در اجرای آنها به خاطر ملیت، نژاد یا مذهب مجاز نیست. هرگونه اظهاراتی که هدف آن ایجاد چنین محدودیت هایی باشد و نیز تبلیغات افراطی وطن دوستی، شعله ور ساختن تنفر نژادی یا ملی یا مذهبی، به موجب قانون مجازات خواهد داشت.

اصل ۱۸

در جمهوری سوسیالیستی رومانی، شهروندان حق اشتغال به کار دارند. به هریک از شهروندان بر حسب تجربیات و دانش آنها، امکان فعالیت در زمینه های اقتصادی، اداری، اجتماعی و فرهنگی داده خواهد شد و حقوق و مزایای آنها به فراخور کیفیت و کمیت کار آنها می باشد. برای کار مساوی، پرداخت مساوی صورت خواهد گرفت. قانون برای حمایت و ایمنی کارگر ضوابط مخصوص دارد، همچنین به منظور حمایت از کار زنان و افراد خردسال تدابیر ویژه ای مقرر می دارد.

اصل ۱۹

شهروندان جمهوری سوسیالیستی رومانی حق تعطیلات دارند.



تعطیلات برای آنهایی که حداکثر ساعات کار روزانه آنها هشت ساعت می باشد، یک روز استراحت در هفته و تعطیلات سالانه با پرداخت اجرت برایشان تضمین شده است. در مورد کارهای دشوار و خیلی دشوار، کار روزانه به کمتر از هشت ساعت، بدون کسر اجرت تقلیل پیدا می کند.

اصل ۲۰

شهروندان جمهوری سوسیالیستی رومانی حق تأمین مادی در سن کهولت و بیماری و از کار افتادگی را دارا می باشند. حق تأمین برای کارگران کارخانجات و کارمندان ادارات از طریق بازنشستگی و کمکهای پزشکی به وسیله سیستم تأمین اجتماعی دولتی اجرا می شود و برای کارکنان سازمانهای تعاونی و دیگر سازمان های عمومی به صورت بیمه هایی که این سازمان ها ترتیب می دهند پرداخت خواهد شد. دولت کمک های پزشکی را به وسیله واحدهای بهداری خود تأمین می کند. دولت مرخصی ایام زایمان با پرداخت دستمزد را تضمین می کند.

اصل ۲۱

شهروندان جمهوری سوسیالیستی رومانی از حق آموزش و پرورش برخوردارند. حق آموزش از طریق تعلیمات عمومی اجباری می باشد. مجانی بودن آموزش در تمام سطوح و بورس های دولتی تأمین می گردد.

اصل ۲۲

جمهوری سوسیالیستی رومانی، آزادی استفاده از زبان محلی را برای ملیت هایی که در رومانی زندگی می کنند، در انتشار کتاب، مکاتبات یا روزنامه و یا تئاتر و یا تحصیل در کلیه سطوح و مراحل به زبان مخصوص خودشان تأمین می نماید. همچنین در نواحی مورد سکناي مردم غیر ملیت رومانی، مجامع و مؤسسات، زبان ملیت مربوطه



را در نوشتن و گفتن به کار خواهند برد و مقامات را از میان مردم آن محل یا کسانی که زبان آنان و راه و رسم زندگی آنان را می دانند، منصوب می کنند.

اصل ۲۳

حقوق کلیه زنان و مردان در جمهوری سوسیالیستی رومانی یکسان می باشد، دولت از ازدواج و خانواده پشتیبانی می کند و از منافع مادر و فرزند دفاع می نماید.

اصل ۲۴

دولت جمهوری سوسیالیستی رومانی، شرایط لازم را جهت رشد جسمانی و معنوی جوانان تأمین می نماید.

اصل ۲۵

اتباع جمهوری سوسیالیستی رومانی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجمع بزرگ ملی و شوراهای خلق را دارا می باشند. رأی، عمومی، برابر، مستقیم و مخفی می باشد. هر یک از اتباع رومانی که به سن هیجده سال تمام نائل شده باشند، حق رأی دادن را دارا می باشند. افرادی که حق رأی دادن داشته و در ضمن به سن بیست و سه سالگی نیز رسیده باشند، می توانند به عنوان نماینده در مجمع بزرگ ملی و شورای خلق انتخاب شوند. حق معرفی نامزد به تمام سازمانهای کارگری، سازمانهای حزب کمونیست رومانی، اتحادیه های کارگری، تعاونی ها، سازمان های جوانان و زنان، انجمن های هنری و سایر سازمان های توده ای و عمومی داده شده است. انتخاب کنندگان حق دارند نمایندگان خود را هر زمان که بخواهند طبق همان روشی که آنان را انتخاب کرده اند، برکنار نمایند. محجورین و محرومین از حقوق اجتماعی و همچنین افرادی که به موجب رأی دادگاه برای مدتی از مقوق مذکور محروم شده اند، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را ندارند.



اصل ۲۶

پیشرفته ترین و آگاه ترین شهروندان از صفوف کارگران، کشاورزان، و روشنفکران و دیگر گروه های مردم زحمتکش، در حزب کمونیست که بالاترین صورت تشکل برای طبقه کارگر و بخش پیش آهنگ آنست، گرد آمده اند. حزب کمونیست رومانی بیانگر و در خدمت آرمانها و منافع حیاتی مردم بوده و نقش رهبر در تمام زمینه های سازندگی سوسیالیستی را داشته و سازمان های توده ای عمومی و ارکان دولتی را رهبری می نماید.

اصل ۲۷

شهروندان جمهوری سوسیالیستی رومانی، حق تشکیل اتحادیه های کارگری، تعاونی ها، سازمان جوانان و زنان و همچنین سازمان های هنری و اجتماعی و علمی و فنی و ورزشی و سازمان های دیگر اجتماعی را دارا می باشند. دولت از فعالیت های دسته جمعی و سازمان های عمومی حمایت کرده و شرایط مناسب را جهت تأمین وسایل لازم این سازمان ها فراهم نموده و از اموال این سازمانها صیانت می نماید. سازمانهای خلقی و عمومی، مشارکت وسیع توده های مردم را در حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری سوسیالیستی رومانی تأمین می کند و موجبات نظارت و کنترل عمومی را که مظهر روح دموکراتیک نظام سوسیالیستی است، فراهم می آورد. حزب کمونیست رومانی از طریق سازمانهای خلق و عمومی با کارگران، کشاورزان، روشنفکران. زحمتکشان ارتباط منسجم برقرار کرده و آنها را در پیشبرد و تحقق سوسیالیسم بسیج می نماید.

اصل ۲۸

آزادی بیان و مطبوعات و تظاهرات و سخنرانی برای شهروندان رومانی تضمین می شود.



اصل ۲۹

آزادی بیان و مطبوعات و اجتماعات و سخنرانی و تظاهرات نباید با اهداف خصمانه نسبت به ظاهر سوسیالیستی و علیه منافع طبقه کارگر باشد. هرگونه اجتماع فاشیستی و ضد دموکراتیک ممنوع است، شرکت در اینگونه اجتماعات و تبلیغات فاشیستی با ضد دموکراتیک طبق قانون موجب مجازات است.

اصل ۳۰

آزادی مذهب برای تمام شهروندان جمهوری سوسیالیستی رومانی تضمین می شود هر کسی در اعتقاد یا عدم به یک عقیده مذهبی آزاد است. آزادی اجرای مراسم دینی تضمین می شود. سازمان دادن و انجام مراسم مذهبی آزاد است. نحوه سازمان دادن و عمل کردن به مراسم دینی به وسیله، قانون معین شده است. مدرسه از کلیسا جدا است، هیچ فرقه یا گروه مذهبی حق ندارد هیچگونه مدرسه ای به جز مدارس مخصوص تربیت خادمان کلیسا تأسیس نماید.

اصل ۳۱

شهروندان جمهوری سوسیالیستی رومانی مصون از تعرض می باشند. هیچ شخصی را نمی تواند دستگیر یا بازداشت کرد. اگر دلایل موجه و شواهدی مبنی بر اینکه وی مرتکب عملی شده است که در قانون برای آن مجازاتی مقرر است، وجود نداشته باشد، اعضای اداره تحقیق می توانند دستور دستگیری شخص را صرفاً برای حداکثر ۲۴ ساعت صادر نمایند هیچ کس رانمی توان بازداشت کرد مگر به موجب حکم دادستان یا دادگاه.

اصل ۳۲

مسکن مصون از تعرض است. هیچکس بدون اجازه نمی تواند وارد مسکن کسی شود مگر در موارد و شرایط مخصوصی که قانون معین کرده است.



اصل ۳۳

مکاتبات و مکالمات تلفنی از تعرض مصون و محرمانه بودن آن تضمین می گردد.

اصل ۳۴

حق دادخواهی تضمین می باشد. سازمان های مملکت موظف به حل و فصل شکایات شهروندان مربوط به حقوق و منافع خصوصی یا عمومی می باشند.

اصل ۳۵

کسانی که به وسیله عمل خلاف قانون دستگاه های دولتی، لطمه ای به حقوقشان وارد شود می توانند از مقامات صلاحیت دار تحت شرایط پیش بینی شده در قانون بطلان آن عمل و جبران خسارت وارده را مطالبه کنند.

اصل ۳۶

حق مالکیت شخصی مورد حمایت قانون است. موضوع این حق و پس اندازهای حاصل از کار، خانه مسکونی و متعلقات آن و زمینی که روی آن کار می کنند و اشیاء مورد استفاده شخصی می تواند باشد.

اصل ۳۷

حق وراثت را قانون حمایت می نماید.

اصل ۳۸

جمهوری سوسیالیستی رومانی به خارجیانی که به علت دفاع از منافع زحمتکشان و شرکت در مبارزه برای آزادی ملی یا دفاع از صلح مورد تعقیب و آزاد می باشند، حق پناهندگی اعطاء می نماید.

اصل ۳۹

هریک از اتباع جمهوری سوسیالیستی رومانی موظف به رعایت قانون اساسی و قوانین دیگر، و همچنین دفاع از مالکیت سوسیالیستی و شرکت در تقویت و توسعه نظام سوسیالیستی می باشد.



اصل ۴۰

خدمت سربازی در صفوف ارتش دولت جمهوری سوسیالیستی رومانی اجباری بوده و وظیفه افتخارآمیز هر یک از اتباع کشور می باشد.

اصل ۴۱

دفاع از میهن، وظیفه مقدس هر یک از اتباع جمهوری سوسیالیستی رومانی می باشد. نقض سوگند وفاداری، خیانت به وطن، فرار از مقابل دشمن، تضعیف قوه دفاعی دولت، از بزرگترین جنایات بر علیه ملت بوده و به موجب قانون به شدیدترین وجه مجازات خواهد شد.

اصل ۴۲

مجمع بزرگ ملی که بالاترین مرجع قدرت کشور است، یگانه دستگاه قانونگذاری دولت جمهوری سوسیالیستی رومانی می باشند.

اصل ۴۳

مجمع بزرگ ملی دارای اختیارات اساسی ذیل می باشد :

۱- تصویب و اصلاح قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی رومانی

۲- تنظیم و تصویب مقررات مربوط به سیستم انتخاباتی.

۳- تصویب برنامه اقتصادملی، بودجه دولت، و تصویب صورت حساب نهایی عملکرد بودجه.

۴- تشکیل شورای وزیران و وزارتخانه ها و سایر ارکان مرکزی اداری دولت.

۵- تنظیم تشکیلات محاکم و دفاتر دادستانی.

۶- تصویب مقررات برای تشکیل و نحوه عمل شوراهای خلق.



- ۷- تصویب تشکیلات و سازمان های اداری مملکتی.
- ۸- اعطای عفو و بخشودگی
- ۹- تصویب و رد معاهدات بین المللی که احتیاج به تغییر قانون داشته باشد.
- ۱۰- انتخاب و عزل شورای دولتی.
- ۱۱- انتخاب و عزل شورای وزیران
- ۱۲- انتخاب و انحلال دیوان عالی کشور و همچنین، انتخاب و عزل دادستانی کل.
- ۱۳- اعمال نظارت کلی بر اجرای قانون اساسی. اخذ تصمیم در مورد مطابقت قوانین با قانون اساسی فقط به عهده مجمع بزرگ ملی می باشد.
- ۱۴- اعمال نظارت بر فعالیت شورای دولتی
- ۱۵- اعمال نظارت بر فعالیت شورای وزیران و وزراء و سازمان های مرکزی دولتی.
- ۱۶- استماع گزارش های مربوط به فعالیت های دیوان عالی و اعمال نظارت بر رویه های قضایی دیوان مذکور.
- ۱۷- اعمال نظارت بر فعالیت های دفتر دادستانی.
- ۱۸- اعمال نظارت کلی بر فعالیت های شوراهای خلق.
- ۱۹- تعیین خط مشی کلی سیاست خارجی.
- ۲۰- اعلام وضعیت اضطراری در هر یک از مناطق یا در سراسر کشور، به منظور دفاع یا برقراری نظم و امنیت ملی.
- ۲۱- اعلام بسیج در یک ناحیه یا در سراسر کشور (بسیج عمومی).



۲۲- اعلان جنگ به عهده مجمع بزرگ ملی می باشد، وضعیت جنگ فقط می تواند در صورتی اعلام شود که تجاوز نظامی مستقیم، بر علیه جمهوری سوسیالیستی رومانی و یا بر علیه کشورهای دیگری که جمهوری سوسیالیستی رومانی، به موجب تعهدات بین المللی وظیفه دفاع از آنها را دارد، صورت گرفته باشد.

۲۳- عزل و نصب فرماندهان نظامی

اصل ۴۴

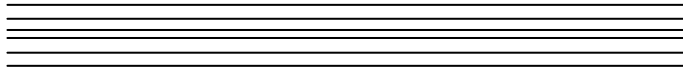
نمایندگان مجمع بزرگ ملی از حوزه های انتخاباتی با سکنه مساوی انتخاب می شوند، این حوزه ها به موجب فرامین شورای دولتی معین می گردد. هر حوزه دارای یک نماینده بوده و مجمع بزرگ ملی از چهار صد و شصت و پنج نماینده تشکیل می گردد.

اصل ۴۵

مجمع بزرگ ملی برای مدت چهار سال انتخاب و از تاریخ پایان دوره قبلی رسمیت می یابد. مجمع بزرگ ملی قبل از پایان مدتی که برای آن انتخاب شده نمی تواند پایان پذیرد. در صورت وقوع وضعیتی خاص و عدم امکان انتخابات جدید، مجمع بزرگ ملی، در مورد ادامه نمایندگی خود برای مدتی که وضع مذکور ادامه دارد تصمیم می گیرد.

اصل ۴۶

رای گیری برای مجمع بزرگ ملی در یک روز تعطیل، در آخرین ماه هر دوره قانونگذاری انجام می شود. تاریخ انتخابات حداقل شصت روز قبل از انجام انتخابات تعیین می شود. مجمع بزرگ ملی جدید، ظرف سه ماه از تاریخ پایان دوره نمایندگی پیشین تشکیل می شود.



اصل ۴۷

مجمع بزرگ ملی، آیین نامه داخلی خود را تنظیم و تصویب می نماید.

اصل ۴۹

مجمع بزرگ ملی بودجه سالیانه خود را که جزیی از بودجه کل کشور است تنظیم و تصویب می کند.

اصل ۵۰

مجمع بزرگ ملی برای هر دوره قانونگذاری، هیأت رئیسه خود را که مرکب از یک رئیس و چهار نایب

رئیس می باشد انتخاب می نماید.